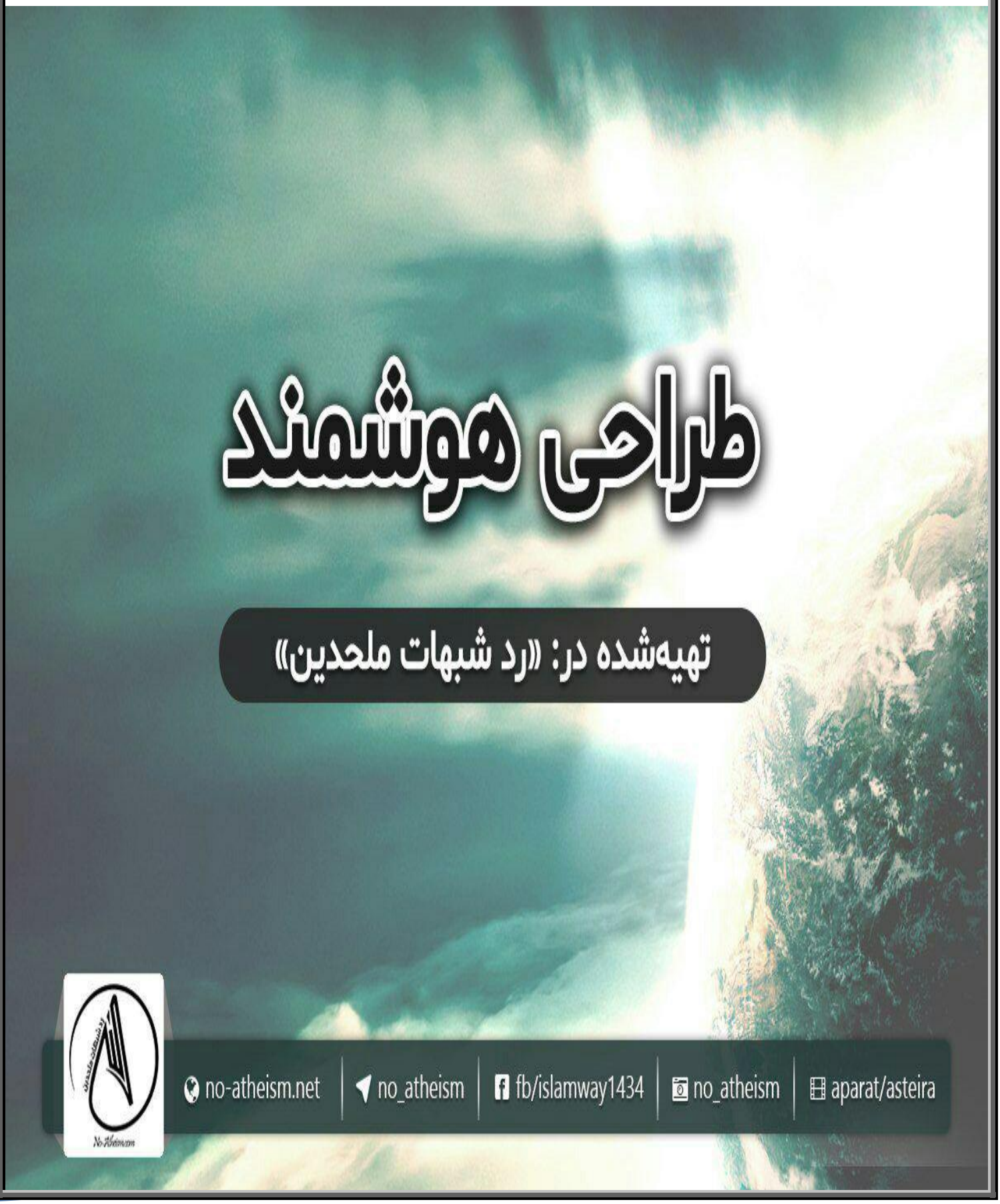
intelligent design



Proof or dismissal of God in science

(ساینس اثبات خدا یا رد خدا)

science or god

- علیت در کوانتوم
- محدودیت های ساینس
- جهان های موازی و نظریه m
- طراحی هوشمند
- تضاد دین و علم
- جبر گرایی علمی

intelligent design

مقاله ی پیش رو ردی بر چندین شبهه ماحول علم از سوی آتئیست ها می باشد در در این مقاله سعی بر این بوده که با قلمی روان و ساده موضوعات مختلف را به صورت اجمالی در اختیار خواننده قرار دهم و با چندین موضوع ماحول کیهان و فیزیک و ارتباط آن با **intlegent disign** (طراح هوشمند) آشنا خواهید شد، که در همگی آنان تزویر و پوشاندن حق و حقیقت این بار به نام ساینس از طرف مغرضین، آتئیست هایی که خود را طرفدار علم معرفی می کنند آشنا خواهید شد. امید است مسلمین و طالبین حق سعی بیشتری در تحقیق و پژوهش در این موضوعات داشته باشند و به ادعاهای مضحک خداناباوران به صورت علمی و مستند با تکیه بر علوم روز پاسخ های قاطعی ارائه دهند.

در این مقاله به بررسی چند ادعای ملحدین که همیشه سعی و تلاششان بر این بوده که هر باوری را به نام علم خاتمه دهند می پردازیم. امید است مورد استفاده و بهره کافی خوانندگان گرامی قرار گیرد و گوشه ای از عظمت خداوند متعال خالق ناظم و قادر را نشان دهیم و نیز گوشه ای از فکت دین زیبای اسلام در اختیار مسلمین و محققین گرامی قرار دهیم، امیدواریم مایه ی تحقیق و شفاف سازی هر چه بیشتر را برای مسلمین فراهم سازد و از خداوند مهربان خواستارم این مقاله ی کوچک را در ترازوی حسنات حقیر و نشردهندگان آن سنگین بفرماید.

در چند قرن اخیر بخصوص بعد از نظریات «چارلز داروین» در محافل علمی از گوشه کنار دنیا کم کم سخن از انکار خالق و رد خلقت گرایی و ناکارآمدی ادیان و تضاد علم و دین و .... به میان آمد، طبیعی است که میلیاردها نفر با استناد به کتب مقدس به الله باور دارند حال در صورت انکار و نقص در این برنامه الهی تا حدود زیادی خالق آن نیز مورد نقد قرار می گیرد، تلاش های بسیار زیادی هم اکنون نیز در جریان هست در حوزه ی فرگشت و حتی بیگ بنگ برای نادیده گرفتن طراح هوشمند(الله)، مباحث حول فرگشت و بیگ بنگ روی آن بسیار مانور داده و آن را به صورت یک فکت تمام علمی بدون ایراد و طبق باور بی ایمانی خود در میان جوامع نشر داده و معرفی کرده اند اما غافل از اینکه همه ساله دانشمندان زیادی با پی بردن به ناکارآمدی داروینیزم و ابراز اشکالات آن(داروینیزم) از دانشگاه ها و پست های ریاستی و دولتی اخراج می شوند، غافل از اینکه ۱۰۰۰ دانشمند نظریه داروین را علمی نخوانده و مردود دانسته، غافل از اینکه هنوز هم از اینکه اصل حیات و رمزگزاری و کد های دی ان ای آن نیز مشخص نشده و نیز برای دانشتن اصل حیات چگونگی تشکیل سلول اولیه جایزه ی ۳ میلیون دلاری گذاشته که تاکنون عجز و ناتوانی در مقابل توضیح منطقی آن آشکار شده و بسیاری از مشکلات دیگر آن(فرگشت) که در این نوشتار جای بحث آن نیست اما آن را بدون نقص معرفی و در تمام جهان جز چند کشور تدریس می کنند. همان داروینیزمی که در تمام جهان و سخت گیرانه تر از همه جا در آمریکا تدریس می شود ولی هنوز هم با آن همه تبلیغ و دروغ پردازی بهتر بگوییم هولوکاست داروینی حدود ۸۹ در صد مردم آمریکا به گزارش گالوپ خداباور هستند و این مسائل رو دخیل و مرتبط با خالق ندانسته اند، اما چرا برخی مدعیان علم آن را علیه خدا بکار می گیرند؟ جای تعجب است

http://news.gallup.com/poll/193271/americans-believe-god.aspx

به هر حال از معجزه آورترین و دقیق ترین مسائلی که قرآن ما مسلمانان آن را به خوبی هر چه بیشتر ارائه فرموده، مباحث حول خلقت انسان و خلقت جهان است، خداوندی با آن«همه عظمت و نظم خارق العاده» بشریت به خود جرات آن را داده که نقش او را در جهان کم کند، خداوند قادری که تعداد بسیار زیادی اعم از متخصصین علوم و پژوهشگران و فلاسفه او را منشاء تمام قوانین و خود جهان بر می شمارند. و «دانشمندان او را تنها جواب قانع کننده برای معنای ذهن ها و هستی میدانند.»(مارگنو)[1]

خلقت جهانی که همگی دانشمندان را به حیرات انداخته، زمانی که (جان گلن اولین فضانورد آمریکایی) با دیدن زمین در فضا گفت: "باور نداشتن به خدا درحالی که چنین آفرینشی جلوی چشمتان است غیرممکن است، این فقط ایمان من را تقویت می کند"

https://www.washingtonpost.com/news/acts-of-faith/wp/2016/12/08/in-outer-space-john-glenn-saw-the-face-of-god/?utm_term=.9c4721672b26

به هر حال معجزات بسیار زیادی از قرآن کریم بیان شده همچون آیات جنین شناسی و خلقت انسان که پیچیدگی و نظم فوق العاده ای آن که دانشمندان را متحیر کرده و آن ها را به تحقیق و پژوهش بر روی آیات الهی مشغول ساخته ، برای مثال دانشمندان پرآوازه ای همچون موریس بوکای از معروفترین پروفسورهای جنین شناسی جهان می باشد که فقط بخاطر اعجاز علمی آیات جنین شناسی قرآن مسلمان شده اند و همچنین اشخاص بلند پایه ی زیادی همچون

- پروفسور تی.وی. ان پروساد استاد آناتومی وَ تولد نوزاد وَ سلامت کودک دانشگاه، مانی توبای کانادا
- پروفسور مارشال جانسون از دانشمندان برجسته امریکا وَ رییس دپارتمان آناتومی دانشگاه جفرسون فیلادلفیا
- پروفسور کید مور استاد دانشگاه تورنتو کانادا در سال ۱۹۸۲ کتاب مور که با معارف جدید از قرآن تجدید چاپ شده بود، جایزه بهترین کتاب پزشکی را دریافت کرد.
- پروفسور جرالد. سی جر رینگر محقق بخش جنین شناسی کالج پزشکی وَ بیولوژی سلولی دانشگاه جرج تون واشنگتن و پروفسور سی مپسون رییس انجمن باروری امریکا و تعداد زیادی از دانشمندان که مجال بررسی و ذکر آن ها نیست،

امروزه اهداف زیادی برای بازی دادن افکار خداباوران به اشکال متفاوتی برای از بین بردن عقیده ی آنان صورت می گیرد ، سرمایه گذاری های بسیار زیاد از ناحیه ی کشورهای سکولار که از هر نیرنگی برای فریب دادن عوام بی سواد و ناآگاه دریغ نمی کنند، شستشوی مغزی و استفاده از رسانه ای که یهود ۱۵ میلیونی که آن را به خوبی اداره می کند یهودیانی که خطرناک تر از خود بی دین ها برای جهان و ادیان است، افکارهایی که به طرق زیاد به جوامع مختلف که

[1]. Ibid. P.61

با هدف براندازی و دور کردن مسلمین از اعتقادات خود تزریق می شود تا به راحتی بر افکار مردم سوار شوند، نزاع و تفرقه و هر آنچه که بتوان راه را برای رسیدن به بی دین کردن مردم هموار کند، اما بازهم این عظمت و بزرگی **intelejent disign** (طراح هوشمند) است که شریعت و برنامه اش برای همیشه روی زمین حکم فرما خواهد کرد.

در این مقاله بیشتر حول فیزیک و کیهان و خلقت جهان به بحث میپردازیم امید است مایه ی روشنفکری و شفاف سازی بیشتر محققین را فراهم کند، مغالطه ای که همیشه اسلام ستیزان(آتئیست ها) مرتکب می شوند «علمی که آن را اله» خود قرار دارند و با تبعیت بی چون و چرا و برداشت محدودی که از آن داشته، انتظار داشته که خداوندی که خارج از ماده(متافیزیک) به اصطلاحی دیگر فراطبیعی هست و وجود آن را به هیچ شیوه ای نمی توان تجسیم کرد(لیس کمثل شی) زیر آزمایشگاهی قرار دهند که خود توان اثبات صد در صدی هیچ موضوعی را ندارد اما واقعیت و دید دانشمندان برای توضیح جهان چیز دیگری است، بدون شک برای خلق جهان باید دست یک متافیزیک در کار باشد چرا که عدم دخالت او در خلقت جهان بی معنا خواهد بود. مصداق گفته آقای تاونز فیزیکدان معروف: «برای تبیین شروع و انفجار اولیه دست متافیزیک را لازم می داند و به یک تبیین مذهبی نیاز است» [1]

علمی که فقط شواهدی رو در اختیار ما قرار می دهد تا تصمیم گیری صحیحی نسبت به موضوعات و تحقیقات داشته باشیم، ساینس ناتوان است و محدود، اما چیزی که نامحدود است تنها و تنها ذات مبارک حق تعالی است ولاغیر...

علم امروز نه تنها یک خالق طراح را نفی نمی کند بلکه به یقین بر وجود او بیش از پیش پی برده و نقش او را در جهان بیشتر از هر زمان دیگری حس می کند. همچنان که دانشمند به نام فردریک برنهام مورخ علم چنین می گوید: «یافته های علمی ،اندیشه ی آفرینش جهان توسط خداوند را بیش از هر زمان دیگر در صد سال گذشته مورد توجه قرار داده است». [2]

دید آتئیست ها نسبت به جهان این است که (جهان بر حسب تصادف و یا جهان های موازی و یا انرژی از هیچ خلق شده و ...) نه بر اساس تجزیه و تحلیل درست و قابل قبولی بوده، و نه طبق فلسفه ای که آقای هاوکینگ آن مرده می خواند نه طبق هیچ فکت علمی است، بلکه فقط و فقط بر مبنای یک تعصب جاهلانه و متکبرانه و مغرضانه، و حاصل یک جهان بینی محدود که از عقل ناقص آتئیست ها صادر می شود می باشد.

ناکارآمدی علم در حوزه های مختلف همچون اخلاقیات، حسن و قبح اعمال، انسانیت و موضوعاتی که بشریت نیاز خود را در آن می بیند به خوبی مشخص می شود و زندگی وی طبق مجموعه ای از خصایص اخلاقی و اجتماعی اداره می شود. و نیز به همین منوال در باب خلقت جهان نیز نیاز خود را به خدا می بیند، چرا که ساینس امروز عاجز تر از آن است که بتواند بدون دخالت یک متافیزیک خلقت جهان را توضیح دهد همانطور که پاکینگ هورن نیز بیان

---

[1]. Ibid. 7. P.123.

[2]. تاریخچه ی زمان ص۲۳۷

داشت: «برخی سوالات علمی را معتقدم باید با علم جواب داد اما اینکه اصلا چرا جهانی وجود دارد علمی نیست و برای پاسخ نیاز به متافیزیک است به عقیده ی من بهترین جواب در خداپرستی نهفته است» [۱]

علم بشری ضامن رعایت و قرار دادن انسان به رعایت در یک چهارچوب انسانی و اخلاقی نیست.

ساینس امروز و آینده هم محدود تر از آن است که بتواند نقش خدا را در گیتی نادیده بگیرد. انکار خالق افسانه ای است که در حال حاضر آنهم از طریق ساینس که به مغز عوام تزریق می شود، این مقاله با استدلال و استناد به سخنان ارزشمند دانشمندان قدیم و معاصر گفته های اسلام ستیزان و آتئیست ها را به طور قعطی باطل خواهد کرد. و دلایل باطل آنان(ملحدین) را با استدلال و برهان نقد خواهیم کرد «هر چه قدر هم که ما در موضوع علمی جلوتر برویم و عمیق شویم، همواره چیزی بدون توضیح خواهد ماند»(ترفیل فیزیکدان آمریکایی)[۲]

هستی ما و بشریت همواره به خالق نیازمند است. خلقتی که تمامی دانشمندان را به تعمق فرو برده و این نظم فوق العاده را بدون در نظر گرفتن خدا بی معنا می دانند. چارلی تاونس کسی که ۱۸ سال با هاوکینگ در برکلی همکار بوده و جایزه ی نوبل را نیز دارا هست چنین می گوید: «به نظر من پرسش سرچشمه ی هستی از دیدگاه صرفا علمی بی پاسخ مانده است. از این رو یک توضیح مذهبی با متافیزیکی لازم است. من به مفهوم خدا و وجود او ایمان دارم».[۳]

ساینسی که هنوز هم حتی به اعتراف دانشمندان لحظات اولیه ی انفجار(**big bang**) را نیز نمی تواند توضیح دهد، توضیح این که در آن چندین ثانیه ی اولیه ی شروع جهان چه اتفاقاتی رخ داده که تمام قوانین فیزیک می شکند و جواب برخی سوالات همچون علت خلق قوانین چه بود؟ را بی پاسخ گذاشته، و هم چنان از اساسی ترین سوالات مبهم در کیهان و فیزیک است. هیچ کس نمی داند که قوانین فیزیکی که در لحظه ی شروع جهان خلق شده توسط چه کسی و چه چیزی به وجود آمده؟ و دانشمندان نیز بر این گفته صحه می گذارند.

جاسترو اختر فیزیکدان آمریکایی می گوید: «ما هیچ اطلاعاتی درباره ی وقتی که جهان کمتر از سه دقیقه داشت نداریم، به ویژه وقتی که 43-10 عمر داشت».[۴]

پروفسور الن گوث از دانشگاه **mit** چنین می گوید: «که لحظه ی آفرینش توضیح ناپذیر است» و نیز بلوتون راتمن فیزیکدان بزرگ می گوید: «زمانی که قبل از مهبانگ و خود مهبانگ و چندین ثانیه بعد ان هیچ اطلاعاتی در دست نیست و تمام قوانین فیزیک درهم می شکند و هیچ توضیح منطقی وجود ندارد».[۵]

---

۱. Ibid. P.88

۲. J. Trefil,The Moment of Creation (New York: Charls) Scribner¨s Sons, 1983), PP. 222 - 3 .

۳. تاریخچه ی زمان ص ۲۴۹

۴. Ibid. P.47

۵. (پائول دیویس، خدا و فیزیک مدرن، فصل دوم ص۷۴)

و پاول دیویس که از مشهورترین دانشمندان حال حاضر است وقتی که از او میپرسند چیزی از هیچ به وجود می آید ؟؟ پاسخ می دهد نه فقط باید پرسید که چگونه ماده از هیچ هست شده است، بلکه ابتدا باید پرسید که فضا و زمان چگونه به وجود آمدند!!

هیچ کس به طور یقین نمی داند و نمی تواند که از وقایع بیگ بنگ آگاهی داشته باشد چه رسد به قبل از آن همانطور که در نیچر هم چنین میخوانیم: «مدل استاندارد بیگ بنگ به ما می گوید که جهان از یک نقطه بی نهایت متراکم یا یکنواخت منفجر شده است. اما هیچ کس نمی داند چه چیزی باعث این تورم شده است. قوانین شناخته شده فیزیک نمی‌توانند به ما بگویید که در آن لحظه چه اتفاقی افتاد.

http://www.nature.com/news/did-a-hyper-black-hole-spawn-the-universe-1.13743

در این جا باز هم نقلی قولی رو از دو دانشمند دیگری بیان می کنیم تا اتمام حجتی باشد برای همگان، پارکر فیزیکدان آمریکایی می گوید: «این ترس وجود ندارد که دانشمندان هرگز بتوانند نیاز به خدا را حذف کنند و همواره نیاز به خدا است که چه کسی این جهان و قوانین را خلق کرد!![1]

و همچنین راجر پن رز همکار هاوکینگ که در نوشتن چندین مقاله با وی مشارکت داشته چنین اظهار می دارد: « جهان بر حسب تصادف هیچ وقت نمی تواند به وجود آمده باشد نه خلقت جهان و نه انتخاب طبیعی ».[2]

---

[1]. Ref. 7. P.117

[2]. R. Penroe,The Emperor¨s New Mind (Oxford: oxford)81 .U.P.1989), P. 430

علم و الحاد

قبل از پرداختن به مقاله موضوع مهمی است که ذکر آن بسیار ضروری است و در محافل داغ مجازی هم صورت میگرد، آن هم اینکه چرا الحاد امروزی خود را پشت ساینس پنهان می کند؟ چه چیزی باعث شده که ملحدین خود را پشت علم مخفی کنند و از این طریق خدا و ادیان را زیر سوال ببرند؟

این امر نیزمغلطه ای است که دامنگیر الحاد شده. کسانی که به رد خدا می پردازند و خود را از ادیان و خالق پنهان می کنند به مطالبی تکیه می کنند که شاید امیدی باشد از این طریق به تبلیغ افکار فاسد خود در میان مردم بپردازند و به امید اینکه که از این طریق بتوان خود را از حصر خدا و ادیان خارج ساخت، و چنین فرض شود این اشخاص به خاطر تضاد علم و دین بی دین شده اند و به زعم خودشان امروزه دیگر علم جای ادیان و خدا را پر کرده.

اما این مسئله چیزی بسیار عجیب است زیرا علوم و دانش بالایی که یونانیان داشتند ربطی به الحاد نداشته، تمدن فوق العاده ارزشمند مسلمانان دوران طلایی(قرون طلایی) اسلام قرون تاریک اروپا ربطی به الحاد نداشته، همان علومی که اگر مسلمین نبودند الان اروپایی با این پیشرفت وجود نداشت بازهم به الحاد مربوط نمیشود، این همه دانشمند تاریخ و پرآوازه در حوزه ی های مختلف و بزرگ اعم از(مسلمان و یهودی و مسیحی و ادیان دیگر) چه گذشته و حال نیز باز ربطی به الحاد نداشته است. علوم و تمدن های هند و چین و مصریان هم که هیچ کدام آتئیست نبودند باز هم به الحاد مرتبط نیست، پس چه چیز باعث شده که فقط بخاطر امثال استیون هاوکینگ و لاورنس کراوس و ریچارد داوکینز به نظریات دیگر دانشمندان توجهی نکنند و مغرضانه در صدد رد مطالب دانشمندان جهان باشند و آن را علم بنامند؟ و خود را طرفدار علم و دیگران را مبرا از آن؟

پس هوشیار باشید و فریب این نیزنگ رو نخورید، نگاهی مختصر بندازید به دانشمندان و فلاسفه ی قدیم از سقراط و افلاطون و ارسطو تا قرون ۱۵ و۱۶ به ندرت یک دانشمند خداناباور(ملحد) رو ببینید، اما حال که همه چیز بر وفق مراد «بی دینان» است و برای اینکه بشریت امروزه را به همان خلق و خوی حیوانی(که خود معتقد به این هستند که خودشان از حیوان هستند) تنزل بدند، و از مقام انسانی خارج کنند تا راه برای جنایت و فساد و جهانی که فقط یکبار به زعم خویش در آن زندگی می کنند باز باشد. الحاد با علم جمع نمی شود دو حوزه ی جدا از هم است، الحاد هم خود یک باوری است، باوری به نام (بی باوری) عدم اعتقاد به خالق.

پس در وهله ی اول این پنهان ماندن و استتار ملحد پشت ساینس نیز دردی رو از باور آنان درمان نخواهد کرد و این نیرنگ ملحدن نیز به وضوح در همین ابتدا مشخص می شود و علم و الحاد به هم مربوط نمی شود.

علیت در کوانتوم

آتئیست ها امروزه برای فرار از دست خالق بحثی را راه انداخته و بر طبق آن هیچ علتی را در قوانین کوانتوم برای به وجود آمدن ماده در نظر نمی گیرند، بدین گونه که قوانین خود خالق خود هستند و هیچ چیزی باعث به وجود آمدن آنها نمی باشد اما غافل از اینکه خود پدر نظریه ی کوانتوم آقای ماکس پلانک برنده ی جایزه ی نوبل یک کتابی تالیف کرده و علیت در کوانتوم را شرح می دهد و معتقد به علیت در کوانتوم می باشد و همین نظر پدر نظریه ی کوانتوم خود حقیقتی تلخ است برای خداناباوران و رد این ادعا.

به حقیقت چه شده که پدر نظریه ی کوانتوم ماکس پلانک برنده ی جایزه ی نوبل آن را قبول دارد اما چندین ملحد مغرض بی سواد متکبرانه آن را رد کرده؟ آیا ممکن است که پدر نظریه ی کوانتوم آن را درک نکرده باشد؟ و اما غیر از این هم آقای **ماکس بورن** نیز که ایشون هم برنده ی جایزه ی نوبل است چنین نظر خود را در باب علیت در کوانتوم بیان می دارد که: «اینکه غالبا بیان می شود که فیزیک جدید علیت را ترک کرده است کاملا بی اساس است».[1]

این گفته ی آقای ماکس بورن می باشد که ایشون نیز جایزه ی نوبل را دریافت کرده و متخصص در فیزیک و نه فقط یک شخص عادی، ردی محکم بر این داستان دیگر ملحدین است، آیا ایشون هم این قانون را نفهمیده است؟ که علیت در کوانتوم را لازم می داند و کسانی که ندای رد آن سر میدهند را طرد می کند و ادعاهای آنان را بی اساس می خواند.

جهانی از هیچ فرضیه یا نظریه ای اثبات نشده است، همانطور که لوکرتیوس می گوید: «هیچ چیز نمی تواند از هیچ سربرآورد». و همچنین میچیو کاکو در کتابش هم عنوان می کند که «نظریه ی جهان برخواسته از هیچ را نمی توان با روش های مرسوم ثابت کرد» (جهان موازی ص ۱۰۱ و۱۲۴)

باز هم تحقیقات دیگری را نیز دال بر وجود علیت در کوانتوم را از **دانشگاه هاروارد** می آوریم تا مدعیان علم یک سویه قضاوت نکنند، در هاروراد چنین بازگو می کند که نتایج آزمایشات ما نشان میدهد که «ارتباطات کوانتومی یک برتری برای مدل علت و معلولی فراهم کرده است»

Our results show that entanglement and quantum coherence provide an advantage for causal inference.

http://adsabs.harvard.edu/abs/2015NatPh..11..414R

---

۱. Born , M. , Natural Philosophy of Cause and Chance , Oxford (University press , 1944 , pp 3-4)

و همچنین تحقیقات معتبر دیگری نیز از دانشگاه های جهان، «ما در اینجا ساختاری را برای مدل سازی علیتی از کوانتوم معرفی میکنیم که روابط بر مبنای علیت را در کوانتوم آشکار میکند»

دانشگاه پیتسبرگ در پنسیلوانیا

http://philsci-archive.pitt.edu/11829/2/QuantumCausalDiscovery.v3.pdf

لینک مقاله در آرکایو

https://arxiv.org/abs/1512.07106

و مقالات آکادمیک دیگر از دانشگاه های معتبر نیز بر علیت در فیزیک کوانتوم صحه می گذارد. بدون تردید قوانین علت و معلول در کوانتوم صدق می کند همانطور که در بالا نیز هم از زبان ماکس و پلانک و ماکس بورن و هاروارد و تحقیقات دیگر شنیدیم که همبستگی کوانتومی بر علیت دلالت میکند.

برخلاف بعضی از شعار ها و تبلیغات، در کوانتوم انواع خاصی از علیت وجود دارد، تحقیقات نشان میدهند که در مکانیک کوانتومی انواع خاصی از مشاهدات به شما اجازه میدهند یک علت مشترک و یا رابطه علت و معلول را بین دو متغیر نشان دهید. مکانیک کوانتومی یک "مزیت" برای استنتاج علی فراهم کرده است!!

((این مقاله بر این باور که کوانتوم فیزیک بیشتر از فیزیک کلاسیک به نقش علیت در جهان باور دارد))

به نقل از ساینس دیلی

https://www.sciencedaily.com/releases/2015/03/150323150645.htm

لینک مقاله از دانشگاه واترلو

https://uwaterloo.ca/news/news/quantum-correlation-can-imply-causation

و همچنین همه ی فیزیکدان ها می دانند که فیزیک هسته ای بیانگر کوانتوم است و در فیزیک هسته ای قانون علیت حکمفرماست. فیزیک هسته ای در حقیقت همان فیزیک کوانتوم است.[1]

[1]. https://www.patana.ac.th/secondary/science/anrophysics/ntopic13/ commentary.htm

موضوع دیگری که ملحدین بدان استناد می کنند و از این طریق علیت در کوانتوم را نقض می کنند بحث عدم قطعیت می باشد، آیا واقعا اصل عدم قطعیت هایزنبرگ علیت را نقض کرده است؟

بصورت بسیار ساده عدم قطعیت چنین می گوید: «بطور دقیق نمی توان مکان و زمان ذره را به طور همزمان پیش بینی کرد» و حال دیدگاه ملحد "بخاطر اینکه نمیتوان بطور دقیق زمان و مکان ذره را تشخیص داد علیت دیگر نقض می شود و پس با این استدلال خدا وجود ندارد".

آتئیست های طرفدار علم نمی دانند که پیش بینی دقیق ذره با علیت متفاوت است که در این مقاله به بحث آن نمیپردازیم و مجال بررسی نیست اما رفرنسی رو از دانشگاه استنفورد آمریکا می آوریم در این تحقیق چنین آمده:

«تفاوت میان پیش بینی پذیری و علیت وجود دارد درست است که با اصل عدم قطعیت هایزنبرگ نمی توانید رویدادهای منفرد زیر اتمی را قاطعانه پیش بینی کنیم؛ چیزی که مورد بحث است این است که این ناتوانی در پیش بینی ناشی از نبود شرایط علمی نام است یا صرفا نتیجه آن حقیقت است که هر کوششی در راه اندازگیری قطعی این رویدادها، شرایط آنان را تغییر می دهد نقش محوری مشاهده گر در این زمینه،آن چه را که مشاهده می شود تحت تاثیر قرار می دهد و به نظر می رسد که معلول ها بدون علت های نامه یا موجیت گرایانه رخ می دهد. اما راهی نداریم تا بدانیم بدون مشاهده گر تحت شرایط و تغییرات چه رخ میدهد»

https://plato.stanford.edu/entries/cosmological-argument

اینکه علیت در کوانتوم موثر نیست و مورد پذیرش نباشد بازهم همانطور که قبلا گفتیم عده ای برای فرار کردن از دست یک خالق قادر و ناظم گیتی هست. هیچ راه فراری برای اینکه خداناباوران نقش خدا را در ایجاد جهان نادیده بگیرند وجود ندارد.

حال به اعتراف تلخی که آقای لورانس کراوس در کتابش جهانی از هیچ اشاره کرده توجه کنید که می گوید:

۱: All of the examples I have provided thus far indeed involve creation of something from what one should be tempted to consider as nothing, but the rules for that creation, i.e., the laws of physics, were preordained. Where do the rules come from? There are two possibilities. Either God, or some divine being who is not bound by the rules, who lives outside of them…

۲: In this regard, there is another important point to stress here. The apparent logical necessity of First Cause is a real issue for any universe that has a beginning. Therefore, on the…

۱. « همه‌ی مثال‌هایی که تاکنون زده‌ام، مربوط می‌شد به خلق یک شیء از چیزی که "هیچ" در نظر گرفته میشود. اما قوانین آن خلقت مانند قوانین فیزیکی از قبل وجود داشتند. این قوانین از کجا آمده‌اند؟ دو احتمال وجود دارد. اول اینکه «خدا» یا هر موجود الهی دیگری که محدود به این قوانین نیست و خارج از آنها زندگی می‌کند، این قوانین را تعیین می کند و یا مکانیزم‌هایی که کمتر فرا طبیعی هستند، عامل این قوانین هستند».[۱]

۲. در این خصوص نکته مهم دیگری نیز وجود دارد. نیاز منطقی به وجود داشتن علت اول، مسئله‌ای واقعی برای هر جهانی است که آغاز دارد. بنابراین بر مبنای منطق محض کسی نمیتواند چنین دید الهی نسبت به جهان را نادیده بگیرد.

بطور خلاصه اگر قوانین فیزیک از همان لحظه ی بیگ بنگ به وجود آمده اند. پس قبل قوانین چه چیز بوده است؟ و چه کسی توانسته این قوانین را به وجود بیاورد؟ متاسفانه آقای هاوکینگ نیز همیشه این پیش فرض را از قبل گذاشته که انرژی اولیه که سبب انفجار شد از قبل وجود داشته و هیچ گاه نمی گوید چرا و از کجا آمده است؟

حال انرژی که قبل بیگ بنگ وجود داشته و سبب به وجود آمدن جهان شده این انرژی معادلی در حدود این عدد است که آقای هاوکینگ و آتئیست ها مجبور هستند که به تصادف ربط بدهند.

این انرژی معادلی در حدود(ده میلیون میلیون میلیون میلیون میلیون میلیون میلیون میلیون میلیون میلیون میلیون) می باشد دقیقا همین معادل انرژی(۱ با ۸۵ صفر بعد از آن) و هیچ کس و حتی آقای هاوکینگ هم نمی داند از کجا آمده. آیا هیچ تصادفی در جهان بوده که منجر به همچین نظم فوق العاده ای شود؟ آنهم بزرگترین تصادف و انفجار جهان با آن همه نیروی زیاد؟

هیچ کس در حال حاضر نمی داندکه این انرژی از کجا می آید کریگ هوگان، ستاره شناس دانشگاه واشنگتن در سیاتل می گوید: «صادقانه بگوییم ما این موضوع را نمی فهمیم با اینکه می دانیم اثرات آن چه هستند [ولی] سر نخی از این موضوع نداریم.. هیچ کس سرنخی ندارد.»[۲]

این چه تصادف و انفجاری با این عظمت است که همچین نظم و تنظیم کیهانی رو به دنبال داشته؟ چه کسی است می تواند انفجاری با این همه عظمت را ایجاد کند و اینچین نظمی را به دنبال داشته باشد؟ به ثابت های کیهانی که در زیر بدان ها اشاره می کنم دقت کنید. ثابت های کیهانی که امثال آقای هاوکینگ هم از آن فراری است چون بدون در نظر گرفتن طراح این ثابت های کیهانی به قطع و یقین به وجود آمدن آنها محال است.

---

[۱]. https://ia600403.us.archive.org/19/items/lawrence-m-krauss-a-universe-from-nothing/lawrence-m-krauss-a-universe-from-nothing.pdf

[۲]. جهان های موازی، میچیو کاکو ص ۲۴

ثوابت کیهانی

اگر انفجار بیگ بنگ خیلی قدرتمند بود، کل هستی به انرژی تبدیل میشد و اصلا ماده ای نداشتیم که این هستی را به وجود بیاورد و اگر این انفجار ضعیف می بود، هستی گسترده نمیشد و بسط پیدا نمیکرد و در نتیجه این هستی به وجود نمی آمد. پس اون انفجار در یک ماگزیمم مینیمم قرار داره و اندازه اون برابر هست با یک تقسیم بر این عدد

۱۰۰۰

این ضریب کیهانی یک بر ۱۰ به توان ۱۲۲ هست) یعنی با این دقت باید تنظیم شده باشه

فرد هویل(Fred hoyle) ریاضی دان مشهور انگلیسی می گوید: «احتمال تصادفی بوجود آمدن پروتئین آمیب توسط شانس را ۱ تقسیم بر ۱۰ به توان ۴۰۰۰ دانسته است. همچنین او در کتاب "جهان هوشمند" (Intelligent universe)احتمال تصادفی بوجود آمدن جهان را همانند آن می داند که ۱۰ به توان ۵۰ انسان کور که در دست هریک از آنها یک مکعب روبیک داده شده است بتوانند در یک دقیقه آنرا حل کنند. [1]

یعنی اگر یک طبیعت بیشعور بخواد فقط یک پروتئین امیب را به وجود بیاره، بر سر ۱۰ به توان ۴۰۰۰ راهی قرار گرفته و از بین این همه حالت دقیقا همون مورد درست را انتخاب کرده.

هارولد مارویتس(Harold Marowitz): با استفاده از یک مدل ریاضی بیان می کند که اگر سوپی از باکتریها را آنقدر حرارت دهیم بگونه ای که تمام اجزاء سازنده آن تفکیک شوند و سپس اقدام به سرد کردن آن نمائیم. احتمال اینکه یک باکتری ساده با استفاده از شانس بوجود بیاید یک تقسیم بر ۱۰ به توان ۱۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰ می باشد.

یعنی اگر یک طبیعت بیشعور بخواد یک تک سلولی ساده به وجود بیاره ، بر سر ۱۰ به توان ۱۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰ راهی قرار گرفته و از بین این همه حالت دقیقا همون مورد درست رو انتخاب کرده.

حال هستی سر دو راهی نه و بلکه بر سر(۱۰ به توان ۱۲۲) راهی قرار گرفته و هربار دقیقا به هدف زده. و این به هیچ وجه حاصل تصادف نیست، از ستارگان و اتم و ذرات ریز اتمی همگی از اعداد ثابت و بسیار ریز تشکیل شده اند که دانشمندان را به حیرت داشته و مقادیر بنیادی جهان هستند. محدوده ای فوق العاده دقیق که اگر به اندازه ی یک ذره نوسان تغییر در آنها ایجاد میشد گیتی از هم می پاشید.

برای مثال نیروی گرانش: «از ثابت کیهانی یک در ۱۰ به توان ۶۰ متفاوت بود هیچ کدام از ما وجود نداشتیم اگر این ثابت فقط یک هزارم درصد نوسان داشت دیگر حیاتی روی زمین شکل نمی گرفت». این نیروی گرانش آلن گوث

---

[1]. Hoyle, Sir Fred. Nature, vol. 294:105, November 12, 1981

فیزیکدان از mit چنین می گوید درباره ی آن: «در سناریوی جهان تورمی، در اولین یک تریلیون تریلیونیم ثانیه، نیروی ضد گرانش مرموزی، باعث گسترش و انبساط جهان شد» جهان در کسری از ثانیه با ضریب غیر قابل تصور برابر ۱۰ به توان ۵۰ انبساط یافته.[۱]

مثال دیگر انبساط جهان را در نظر بگیرید: «تغیری به اندازه ی ۱ در ۱۰ به توان ۱۲۰ اگر در مقدار آن منجر می شد جهان بسیار سریع تر یا آرام تر منبسط می شد و منابع ظهور حیات میشد».

پل دیویس، فیزیکدان و نویسنده و استاد فیزیک نظری دانشگاه آدلاید، گفت: «چیزی که واقعا شگفت انگیز است آن است که زندگی روی زمین بر روی لبه چاقو متعادل نیست، اما کل جهان در یک لبه ی چاقو متعادل است و اگر هر یک از ثابت های طبیعی حتی کوچک باشد، می تواند هرج و مرج باشد».

https://www.theguardian.com/commentisfree/andrewbrown/2009/jan/08/religion-atheism-longley-advertising

مثالی دیگر: «تعداد ذرات ریز اتمی در جهان در حدود ۱ به توان ۸۰ است» اعداد فوق نجومی که به هیچ وجه بصورت شانس نمی توان آنها را توجیه کرد و منطقا محال است آن را به شانس و تصادف مربوط دانست، تمامی فیزیکدان ها و منابع به تنظیم ظریف معترف شده اند.

دانشمندان برای خلقت گیتی سه راه را تعریف کرده اند که به اختصار توضیح میدیم.

۱- **ضرورت**: با توجه به این مورد جهان باید اجازه ی حیات را داشته باشد و مقادیر دقیق و ثابت ها نمی توانند به این شکل باشند هیچ مدرکی وجود ندارد که جهان و یا طبیعت باید این مقادیر را داشته باشد برای ظهور حیات و تنظیم شده باشند.

۲- **شانس**: طبق این تعریف باید جهان ما فوق العاده خوش شانس باشد تا بدین شکل درآمده باشد. تنها توضیح می تواند به آتئیست ها کمک کند جهان موازی است که باز نیاز به متافیزیک است چون هیچ مشاهده و آزمایشی و شناسایی روی آنها نمی تواند شکل گیرد و قابل تایید نیست و باز هم جهان موازی توضیحی رو برای ثابت کیهانی ارائه نمی دهد.

۳- **طراحی**: جهانی با تنظیم فوق العاده دقیق. با کارکرد منظم و بدون هیچ خللی. جهانی با دویست میلیارد کهکشان و میلیارد ها ستاره که هر کدام در مدار خود جاری است و هیچ نقصی در جهان ایجاد نمی کند.

[۱]. جهان های موازی، میچیو کاکو ص ۲۵

جهان با عظمتی در حدود ۱۰۰ میلیارد کهکشان که هیچ خللی در آن به وجود نمی آید[۱]

براستی بهترین توضیح برای خلقت جهان کدام است ؟؟ قضاوت را بر عهده ی خوانندگان گرامی می گذاریم.

نحوه ی تشکیل حیات جهانی که به گفته ی دانشگاه جورجیا و گاردین اگر یک ذره این ثابت ها جا به جا بشوند جهان هرج و مرج می شود.[۲]

هاوارد اسمیت استاد ارشد فیزیک نجومی دانشگاه هاروارد و رئیس سابق دپارتمان نجوم در موزه‌ی ملی هوا-فضا و ستاره شناس ناظر در ناسا می گوید که: « جهان، کامل و بسیار بی‌عیب و نقص برای زندگی تنظیم شده است. همه شواهد نشان دهنده‌ی وجود یک هدف کیهانی برای ما(انسان‌ها) است».[۳]

و به گفته ی دیوید دویچ، رئیس موسسه‌ی ریاضیات دانشگاه آکسفورد: « اگر کسی ادعا کند که با این تنظیمات دقیق جهان شگفت زده نشده، او سر خود را در شن و ماسه پنهان کرده است. این تنظیمات دقیقی که جهان دارد, شگفت انگیز و بی نظیر است». [۴]

فرد هویل نیز می گوید؛ « خواص فیزیکیِ خلأ کاربرد دارند بنابراین آنها چیزی هستند(پس؛ عدمِ مطلق نیستند و نظریه جهانی از عدم باطل است)! فضا در جهان ما خلا کاذب نامیده می شود زیرا داری خواصی است که بیش از هیچ بوده و دارای ذرات کوانتومی می باشد و در واقع خالی نیست بدین ترتیب پس؛ خلا کاذب به علت نیاز دارد.[۵]

و حال نتیجه گیری ساده: اگر یک خداناباور علیت در کوانتوم را نقض می کند که مربوط به ماده است و مخلوق، پس چرا این سوال را مطرح می کنند که باید خدا نیز خالقی و علتی برایش آورده شود؟ حال آنکه کوانتوم و تغییرات گیتی همه پدیده هستند و ممکن الوجود و معلول، اما خدا که خارج از گیتی و متافیزیک و فراماده و پدیده نیست و علت نهایی همه ی موجودات است و واجب الوجود؟.

---

۱. جهان های موازی، میچیو کاکو ص ۳۳

۲. http://hyperphysics.phy-astr.gsu.edu/Nave-html/Faithpathh/Davies.html
https://www.theguardian.com/commentisfree/andrewbrown/2009/jan/08/religion-atheism-longley-advertising

۳. https://www.washingtonpost.com/opinions/humanity-is-cosmically-special-heres-how-we-know/2016/11/25/cd327520-b0cc-11e6-8616-52b15787add0_story.html?utm_term=.134d6a444f72

۴. https://www.theguardian.com/commentisfree/andrewbrown/2009/jan/08/religion-atheism-longley-advertising

۵. پائول دیویس؛خدا و فیزیک مدرن

مثالی ساده جهت تفهیم بیشتر موضوع را بیان می کنیم: «دستمال خیسی را در نظر بگیرید و برای استفاده ی شخصی بکار می برید، شخصی که استفاده کننده ی دستمال است می پرسد که چه چیز باعث خیس شدن دستمال شده است؟ شما هم می گویید: «که آب دلیل خیس شدن دستمال بوده». شخص استفاده کننده ی دستمال دیگر سوال نمی پرسد که چرا آب خیس است، چون که آب خود خاصیت ذاتی خیس بودن را دارا می باشد و علتی برای خیس بودن آب لازم نیست».

ذات مبارک الله سبحان و تعالی نیز خود واجب الوجود است و نیاز به علت ندارد. در صورت رد علیت در کوانتوم، علیت برای خدا نیز بالاتر از یک پدیده ای است (که میتوانست ممکن باشد و یا نباشد) نه اینکه ازلی بوده باشه(الله) که از قبل وجود داشته، و هر علتی را قبل از انفجار بدان ربط دهند، پس قبل از انفجار کسی نیست و چیزی نیست جز خداوند متعال همان طراح بزرگ کیهان. وجودی که هوشمند بودنش، ظرافت و نظم فوق العاده ی گیتی در دستان او رقم خورده که جهان علم بدان اقرار کرده نه تنها خداباوران بلکه خود خداناباوران نیز.

فطرت بشر نیاز به خالق

امروزه در قرن حاضر وجود احزاب سیاسی و افکار فلسفی و عقیده های گوناگون، راه را میسر و هموارتر کرده برای آتئیست هایی که همیشه از این راه به دنبال تفرقه و نزاع و دشمنی بوده اند و تا حد زیادی گمراهیشان فزونی یافته پا به عرصه ی انکار خالقی گذاشته اند که تمامی خلایق بصورت فطری او را قبول دارند و نفوسی در زمین پیدا نمی شود خود را وابسته به الهی نبیند که به طور کاملا ناخود آگاه در روح و وجود آدمی جای گرفته است.

اینجا به چندین منبع علمی معتبر هم حول فطرت بشر اشاره ای اجمالی داریم،
آیا انسان ها به طوری فطری به خالق باور دارند؟ پاسخ را از یک پروفسور بزرگ آمریکایی جاستین باریت می شنویم:
«اگر یک کودک را به تنهایی در یک جزیره ای رها کنیم تنها بگذاریم که خودشان رشد و نمو یابند به پروردگار ایمان خواهند آورد» [1]

آری به راستی چنین است چه بسا کسانی که در اقصا نقاط جهان هیچ وقت حتی برای اندک زمانی کوتاه نه ادیان ابراهیمی و نه ادیان مصریان و نه هیچ شریعتی به آنها نرسیده، اما هم چنان خود را متصل و وابسته و نیازمند به یک منبع (خداوندی) می داند که در روح او دمیده می بیند، فطرتی که در وجود کسی(احدی) نیست مگر اینکه به وجود خالق پی برده باشد.

فطرتی پاک و ذاتی انکار ناشدنی که خالق ما در وجود ما نهادینه کرده مصداق این آیه ی شریفه است که میفرماید:
{فَأَقِمْ وَجْهَکَ لِلدِّینِ حَنِیفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِی فَطَرَ النَّاسَ عَلَیْهَا لَا تَبْدِیلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِکَ الدِّینُ الْقَیِّمُ وَلَکِنَّ أَکْثَرَ النَّاسِ لَا یَعْلَمُونَ} [2]

ترجمه: به یکتاپرستی روی به دین آور. فطرتی است که خدا همه را بدان فطرت بیافریده است و در آفرینش خدا تغییری نیست. دین پاک و پایدار این است. ولی بیشتر مردم نمی‌دانند.

یک دلیل عقلی و ساده برای فطری بودن ایمان به پروردگار کفایت میکند «ما می دانیم که هر فعلی، فاعلی دارد و هر معلولی علتی دارد، ممکن است در صورت عدم علم به این موضوع دچار اشتباه شویم بنابراین هر چیزی که در استدلال شامل بدیهی بودن است پس یک مبدا و اصل عقلانی اولیه می باشد، و مسئله بی نیاز نبودن از این استدلال مبتنی بر بدیهیات در این نهفته است که علم حادث و جدیدی در میان ما می باشد که بدان یادگیری را آغاز می کنیم،

---

[1]. Cnn wbsite, may12,2011, by Richard allen green

[2]. سوره ی روم ،آیه ی ۳۰

همچنین ما بدون پایه و اساس یعنی علم به بدیهیات قادر به یادگیری نمی باشیم، و مزیت این اصل این است که در وجود ما ریشه دار می باشد، راستی چه کسی بذر آن را در وجودمان کاشته است؟

این فطرت پاک ما را در انتها به یک خالق سوق می دهد، بدون تردید هر کسی در زندگی به عمق و تفکر در خلقت جهان و خویش پرداخته باشد به این خلقت فوق العاده دقیق و تنظیم ظریف کیهانی و خلقت پیچیده ی بشر پی خواهد برد، انسان از خود خواهد پرسید خالق عظیم این همه شگفتی عجیب و خارق العاده کیست؟ چه خالق بزرگ و پرقدرت و با عظمتی این جهان را آفریده؟

(ام خلقو من غیر شیء ام هم الخالقون)[1] آنان بدون آفریننده خلق شده اند یا خود آفریننده ی خویش اند؟

(ام خلقو السماوات و الارض بل لا یوقنون)[2] آیا آنها آسمان ها و زمین را آفریده اند؟ بلکه آنان خواستار یقین نیستند.

اما تحقیقات زیادی صورت گرفته که به فطری بودن ایمان به خالق صحه گذاشته آزمایشات جالبی در دانشگاه هیلسنکی فنلاند بر روی ۲۰ آتئیست(بی دین) صورت گرفت، طی این آزمایش تجهیزات حساسی بر روی پوست این افراد نصب شد که درجه حرارت بدن ,امواج مغز و ضربات قلب را نشان میداد، که به محض شنیدن اسم الله ترس وجودشان را فرا میگیرد و گردش خون آن ها زیاد می شود و مشخص می شود ملحدین طبق آنچه که در ظاهر خود منکر خدا می شوند اما در باطن این چنین نیست و از الله می ترسند و این ترس ناشی از فطرت پاکی است که خداوند متعال در وجود آدما نهادینه کرده است و چه زیبا خداوند متعال حال و روز این ملحدین رو دربیان می کند و میفرماید: «وَجَحَدُوا بِهَا وَاسْتَيْقَنَتْهَا أَنْفُسُهُمْ ظُلْمًا وَعُلُوًّا ۚ فَانْظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُفْسِدِينَ»

ترجمه: «و آن را از روی ستم و سرکشی انکار کردند، در حالی که دلهایشان به آن یقین داشت، پس بنگر عاقبت مفسدان چگونه بود»

منابع آکادمیک و تایید فطری بودن ایمان به خالق

مردم به طور فطری به خدا و دین باور تمایل دارند این بار از زبان آکسفورد منبع معتبر می شنویم. در آکسفورد چنین میخوانیم که:

New research finds that humans have natural tendencies to believe in gods and an afterlife. Research suggests that people across many different cultures instinctively believe that some part of their mind, soul or spirit lives on after-death.

[1]. سوره ی طور ،آیه ی ۳۵
[2]. سوره ی طور ،آیه ی ۳۶

نشان می دهد که انسان ها دارای تمایلات طبیعی برای باور به خدایان و زندگی پس از مرگ هستند .تحقیقات نشان می دهد که مردم در بسیاری از فرهنگ های مختلف به طور غریزی معتقدند و معتقد به و روح و زندگی پس از مرگ نیز هستند.

دانشگاه آکسفورد _ ساینس دیلی

https://www.sciencedaily.com/releases/2011/07/110714103828.htm

و در سایت تلگراف و باز هم مقاله ی آکسفورد:

اعتقاد به خدا بخشی از طبیعت بشر است – مطالعه آکسفورد ، طبق یک مطالعه بزرگ بین المللی سه ساله، انسان ها به طور طبیعی به خدایان و زندگی پس از مرگ معتقد هستند، پروفسور راجرTrigg از دانشگاه آکسفورد، مدیر تحقیقاتی این تحقیق نشان داده است و می گوید: "ما مجموعه ای از شواهدی را جمع آوری کرده ایم که نشان می دهد دین یک واقعیت مشترک از طبیعت بشر در جوامع مختلف است".

http://www.telegraph.co.uk/news/politics/8510711/Belief-in-God-is-part-of-human-nature-Oxford-study.html

و در نشریه معتبر گاردین نیز میخوانیم که حتی کسانی که به خدا باور ندارند هم در مواقع بحرانی دعا می‌کنند بر اساس تحقیقات جدیدی که در سایت انگلیسی گاردین چاپ شده، ۱ نفر از هر ۵ نفر که به دین و مذهب عقیده‌ای ندارند، در مواقع بحرانی خدا را صدا می‌زنند از بین بزرگسالان ساکن انگلستان، بیشتر از نصف آنان دعا می‌کنند و کمتر از نصف دعا کنندگان عقیده دارند خدا صدای آنان را شنیده و اجابت می‌کند. این در حالی است که ۴ نفر از هر ۱۰ دعاکننده عقیده دارند دعاهایشان جهان را تغییر می‌دهد و همین تعداد معتقدند دعا کردن حس و حال بهتری برایشان ایجاد می‌کند در بین خدا ناباورانی که متوسل به دعا می‌شوند، بحران‌ها و وقایع تلخ شخصی، دلایل اصل برای دعا کردن هستند و برخی می‌گویند برای دریافت حس آرامش و رهایی از تنهایی، خدا را صدا می‌زنند.

https://www.theguardian.com/world/2018/jan/14/half-of-non-believers-pray-says-poll

و تحقیقات و پژوهش های دیگر که به دلیل طولانی بودن و به درازا کشیدن مقاله به همین مقدار بسنده می کنیم، این هم مطلبی مختصر برای کسانی که به طور علمی یقین پیدا کنند که ایمان به خالق به طور فطری و غریزی در وجود ما نهادینه شده و انکار آن جز از طرف مغرضین از کس دیگری انتظار نمی رود.

محدودیت های علم

در راستای هجمه ی زیاد محافل عمومی و تقابل سکولاریزم با ادیان و علی الخصوص اسلام ناب محمدی، آتئیست ها(ملحدین) هم برای انکار قدرت لایزال الهی و زیر سوال بردن ناظم و طراح هوشمند گیتی سعی در ارتباط دادن هر موضوع علمی با ادیان و خدا شوند تا منکر نقش خالق در آفرینش جهان باشند و نقش او(خدا) نادیده بگیرند اما غافل از اینکه علوم تجربی توانایی نظر در مورد متافیزیک را ندارد و این مشکل اصلی تقابل اسلام و بهتر است بگوییم تمامی ادیان و دانشمندان معتقد به خدا و ادیان و حتی دئیست ها (خداباوران) با الحاد کسانی که هیچ عقیده ای به خدا و ادیان و مقدسات ندارند(خداناباوران) می باشد. بر خلاف باور اکثریت خداناباوران حتی علوم تجربی شواهد بسیار زیادی رو حول ناظم و قادر فوق هوشمند طراح دقیق به ما می دهد.

علوم تجربی در حوزه هایی سخنی برای گفتن ندارد و اینکه ما احساس کنیم که ساینس جوابگوی تمام جواب های بشری است تفکری بس اشتباه است و علوم تجربی هیچ وقت نتوانسته است.

«الحاد امروزی زمانی که با شکست زیادی روبرو می شود سعی بر این دارد که مطالب علوم تجربی با متافیزیک و هر چیزی که قابل آزمایش نیست را با تلفیق کند و در آخر نیز انکار خالق و .... چیزی بس عبث که جز خداناباوران از کسی دیگر انتظار نمی رود، اما مسئله ی اساسی و مبهم اینجاست که خود این علوم در عمل چیزی را اثبات و نفی نمی کنند، «علوم تنها شواهدی را برای ما در آزمایشگاه نشان می دهند تا توانایی تصمیم گیری بهتری نسبت به تحقیقات داشته باشیم»

علوم تجربی توانایی اثبات را هم ندارد. برای تایید این ادعا مطلبی رو از دانشگاه ایندیانا خواهیم آرود که چنین برای ما بیان می دارد در این تحقیق در دانشگاه ایندیانا به چنین نتایجی رسیدند که علوم تجربی محدودیت دارد؛ «علم نمی تواند برای حل هرگونه مشکل استفاده شود» علم تنها می تواند به پدیده های طبیعی (نه پدیده های فراطبیعی) بپردازد، سوالاتی که نیازمند قضاوت ذهنی، سیاسی، مذهبی، اخلاقی یا زیبایی هستند عموما فراتر از قدرت علم هستند .علم را می توان برای روشن کردن چنین مسائلی استفاده کرد، اما به ندرت پاسخ های نهایی را ارائه می دهد

دانشگاه ایندیانا

http://www.indiana.edu/~ensiweb/nos.html

علم محدود و ناکارآمد نسبت به پرسش هایی اساسی همچون همه چیز چگونه آغاز شده؟ همه برای چه اینجا هستیم ؟ هدف زندگی چیست؟ چرا عالم بوجود آمده است ؟ معنای وجود انسانی چیست ؟ پس از آنکه می میریم به کجا

میرویم و چه روی می دهد ؟ ناتوان و عاجز است، سوالات و پرسش های زیادی حول اخلاق، فهم ما در مورد ارزش های انسانی و جهان فیزیکی چگونه کار می کند ؟

پس بقول انیشتین «هر کوششی برای تقلیل اخلاق به فرمول علمی حتما با شکست روبرو می شود»[1]

و جان لینوکس دانشمند ریاضی دان از آکسفورد در کتاب "هاوکینگ در محضر خدا" چنین می گوید: «قوانین فیزیکی نمی توانند چیزی بیافرینند این قوانین توصیف آن چیزی هستند که به طور معمول تحت شرایطی معین روی می دهد» و حتی آنها(قوانین) نمی توانند علت روی داد چیزی باشند، برای مثال قوانین حرکت مشهور نیوتون هرگز نمی توانند علت حرکت شار بیلیارد روی میزی با روکش سبز شوند»[2]

همچنین سی .اس لوئیس(c.s lewis) درباره ی این قوانین این گونه توضیح می دهد که: «آنها رویدادی ایجاد نمی کنند: آنها الگویی را بیان می کنند که هر رویدادی_اگر فقط بتوان موجب وقوع آن شد باید با آن انطباق داشته باشد»[3]

با این نظریات محکم و پایه ای قوانین فقط عالمی از «اما و اگرها» در اختیار ما قرار می دهند نه اینکه عالم را بالفعل بوجود آورده باشند. آنچه ما از طریق قوانین و اصول کلی می دانیم مجموعه ای ارتباطات است که آنگاه خدا منبع تمام این ارتباطات است تصدیق کننده ی گفته ی ماکس بورن برنده ی جایزه ی نوبل که گفت: «اولین جرعه که از کاسه ی علوم می نوشی تو را به سوی الحاد پیش می برد اما در آخرین جرعه ی کاسه خداوند در می یابی که منتظر توست».

http://www.scigod.com/index.php/sgj/article/download/14/14

در جایی دیگر نیز ریچارد فاینمن برنده ی جایزه ی نوبل درباره ی قوانینی که خود خالق این جهان باشند چنان اظهار می دارد که: «این قانون اصلا فهمیده نمی شود اما به ما امکان پیش بینی منتهی می گردد»[4]

مصداق حرف انیشتین که می گفت: «هر کس به طور جدی به دنبال علم باشد معتقد می شود که قوانین طبیعت وجود روحی را آشکار می سازد که بسیار برتر از آدمیان است و ما با قوای اندک مان باید در برابر آن احساس حقارت کنیم».

آلن ساندیج(allan sandage) پدر ستاره شناسی مدرن و کاشف تپ اخترها و همچنین برنده ی جایزه ی کرافورد معادل جایزه ی نوبل در ستاره شناسی: « من کاملا غیر محتمل می دانم که چنین نظمی از آشوب سرزده باشد باید

---

[1]. علم ودین، Princeton university press 1999
[2]. هاوکینگ در محضر خدا اثر جان لینوکس صفحه ی ۱۶
[3]. Miracles london Fontana 1974pp.63.. 90-91
[4]. the meaning of it all .london penguin .2007. p. 23

چیزی سازمان دهنده وجود داشته باشد. رای من خدا یک راز است، اما تبیین معجزه ی وجود است_تبیین اینکه چرا بجای هیچ چیزی وجود دارد»[1]

اینکه فقط علوم تجربی می تواند شواهدی رو حول موضوعی به ما دهد که بتوان از آن مطالبی را استخراج کرد و بر طبق آزمایش های که صورت می گیرد شواهد موجود حول تحقیق رو برای ما منعکس کند، علمی که حتی توانایی نظر در مورد اخلاقیات را نمی دهد. برای حسن و قبح یک موضوع و مسئله و یک رفتار یا هنجار اجتماعی علوم تجربی ساکت نشسته، اخلاقیات در حوزه ی علوم تجربی تعریف نمی شود و علم نمی تواند نظری در باب اخلاقیات داشته باشد و اگر اخلاقیات از زندگی روزمره بشر حذف شود زمین دیگر جایی برای زندگی نخواهد داشت.

علومی که به هیچ عنوان، نظری در مورد متافیزیک و هر آنچه که مربوط به ماوراء الطبیعه می باشد ندارد و عاجز از نظر در آن حیطه است، پس چطور می خواهد و یا می تواند به خدایی (که در نه در حصر زمان و مکان است) و (ازلی و ابدی) اظهار نظر کند؟ علمی که یک آتئیست انتظار دارد با آن محدودیت به کنکاش در مورد خالق بپردازد چیزی بس خنده دار است که امروزه میخواهد بوسیله ی آن خدا را رد کند

دانشگاه کالیفرنیا پاسخ می دهد و نتایج و خروجی علم رو برای ما اینچنین بازگو میکند:

■ What does science think of god? The short answer is that science doesn't think anything about god. That means that science can't prove OR disprove anything about god.

حرف علوم تجربی در رابطه با خداوند چیست؟ به طور خلاصه علوم تجربی هیچ موضعی نسبت به خدا ندارند. این بدان معنی است که علم تجربی نمیتواند هیچ چیزی راجع به خدا را اثبات یا رد کند

دانشگاه کالیفرنیا

http://scienceline.ucsb.edu/getkey.php?key=3089

محدودیت ساینس از زبان اروین شرودینگر که مشهورترین معادله ی علم به او تعلق گرفته: «من بخشی از زندگی حرفه ای ام را صرف حل این معادله برای اتمها و مولکول ها کرده ام.. علم چیزی از زیبا و زشت و خوب و بد خداوند و ازلیت نمی داند» علم گاه وانمود می کند که به پرسش هایی در این قلمروها پاسخ می دهد اما جواب ها چنان احمقانه اند که نمی توانیم آنها را جدی بگیریم...[2]

[1]. new yourk times .12 march1991.b9.
[2]. تاریخچه ی زمان استیون هاوکینگ ، ترجمه ی محمد رضا مجوب، چاپ سیزدهم ۱۳۸۸

و نیز ریچارد فاینمن در آخرین کتاب خود(مشخصه ی قانون فیزیک) می نویسد: «در حالی که در دانش فیزیک همه چیز عبارت است از شمار زیادی پروتون، نوترون و الکترون در زندگی روزمره ما درباره ی انسان ها و تاریخ یا زیبایی و امید سخن می گوییم، کدام یک به خداوند نزدیک تر است؛ کدام یک زیباتر است امید و یا قوانین بنیادین؟ پای فشردن بر هر یک از این ها و امیدواری به اینکه با جهت گیری از یک جانبه به سوی یکی از اینان به درکی کامل است دست خواهیم یافت، اشتباهی بیش نیست»[1]

و به قول ایان باربور پژوهشگر برجسته و استاد دین شناسی کالج کارتون آمریکا: «علم پرسش هایی مشخص در مورد پدیده هایی طبیعی دارد و نباید زیاد از آن انتظار داشت و پرداختن به مسائل اخلاقی و فلسفه ی زندگی و .. کار علم نیست»

برای مثال: طبق هیچ علمی نمی توان دزدی، توهین، جنایت، قتل، غارت، قتل عام، زنا با محارم و هیچ چیز دیگری را که از حیطه ی علم خارج است قبیح دانست در صورت نادیده گرفتن خدا و ادیان هیچ لزومی برای رعایت اخلاقیات نیست و هیچ کس خود را حصر در این نمی بیند که باید دزدی نکند، تجاوز نکند، حق مردم را پایمال نکند، ظلم نکند، کشتاری همچون ریختن خون ۱۲۰ میلیون بی دینان انجام ندهد. در صورتی که فرد خود را خارج از دین ببیند اخلاقیات معنی نخواهد داشت چرا که با وجود خدا و معاد است که اکثریت قریب به اتفاق از مردم خود را ملزم به رعایت اخلاقیات و انسانیتی می بینند که جز در ادیان ملزم به رعایت آن نیستند، غیر از ادیان «انسانیت» واژه ای مبهم و بسیار غریب به شمار می آید.

دانشگاه نوتردام نیزدر مقاله ای که به بحث محدودیت های ساینس پرداخته محدودیت علم به چندین صورت مختلف معرفی می کند: «که ساینس نمی تواند به سوالات نهایی و غایی انسان پاسخ دهد»

https://philreligion.nd.edu/assets/44798/0708lecture.pdf

علم ماهیتی بر فرضیات است و شواهدی ارائه می کند. شواهد و فرضیاتی که ما را به حقیقت بیشتر نزدیک می کند. محدودیت علم در بسیاری از زمینه ها یک محدودیت مطلق است. علمی که بطور مطلق نمی تواند آزمایشات دقیق و به دور از خطا رو در اختیار ما قرار بده. بدین گونه که حتی طبق گفته ی ناسا نیز: «حتی فکت های علمی که بالاترین درجه اطمینان را دارند نیز ممکن است در آزمایش های آینده غلط باشند»

https://www.nasa.gov/pdf/371711main_SMII_Problem23.pdf

علوم چیزی را نمی تواند اثبات کند. موید این ادعای ما نیز باز هم علاوه بر این مطالب که ارائه دادیم تحقیق آکادمیک دیگری است که برای ما مشخص می کند چیزی به اسم اثبات در علم وجود ندارد.

[1]. تاریخچه ی زمان استیون هاوکینگ ، ترجمه ی محمد رضا مجوب، چاپ سیزدهم ۱۳۸۸

در منبع دانشگاهی دیگری نیز آمده است: «مفهوم اثبات هیچ جایگاهی در علم ندارد، بسیاری از افراد که بطور فعالانه تلاش علمی ندارند ، علم را به شکل ساختار یافته درک نمی کنند(و به اشتباه میگونید علم به دنبال اثبات است)». بنابراین دانشمندان هیچ وقت نمی توانند چیزی را اثبات کنند.[1]

و دانشگاه ایالتی اورگن امریکا: «دانشمندان باید در استفاده از کلمه ی «اثبات» مراعات کنند. علم چیزی را اثبات نمیکند. علم تنها میتواند شواهدی را به نفع یا علیه ایده ایی مطرح کند. اثبات تنها در علم انتزاعی ریاضیات امکان پذیر است».[2]

و باز تحقیق دیگری از دانشگاه نبراسکا: «مفهوم اثبات هیچ جایگاهی در علم ندارد، بسیاری از افراد که بطور فعالانه تلاش علمی ندارند»، علم را به شکل ساختار یافته درک نمیکنند(و به اشتباه می گویند علم بدنبال اثبات است) . بنابراین دانشمندان هیچ وقت نمی توانند چیزی را اثبات کنند!!

http://agbiosafety.unl.edu/science.shtml

ساینس به هیچ عنوان نمی تواند با استفاده از توانایی محدودی که دارد خدا را اثبات و بدان دست یابد بلکه علم می تواند شواهد و قرائنی رو در باب اینکه جهان خالقی فوق العاده دقیق طراحی هوشمند با تنظیمات کیهانی (ثابت کیهانی دارد) دارد و علم نیز بر این شواهد دلایل خاص و زیادی عرضه نموده و بر آن صحه گذاشته. با این مطالبی که ارائه شد در می یابیم که علم در اثبات ناتوان است و به یقین و به صورت مطلق چیزی برای اثبات در علوم تجربی ما نخواهیم دید و ساینس حق اظهار نظر در مورد متافیزیک را ندارد.

همانطور که دانشمند خداباور میچیو کاکو از دانشمندان معاصر تراز اول حوزه ی فیزیک حال حاضر جهان می گوید: «دیدگاه من متفاوت است. دیدگاه شخصی من این است که شما نمیتوانید وجود خدا را اثبات و یا رد کنید. علم چیزی است که بر قابل آزمایش بودن, قابل تکرار بودن و قابل تایید بودن استوار است. چیزی که این ویژگی‌ها را داشته باشد علم نامیده میشود. با این وجود, چیزهایی وجود دارند که قابل آزمایش, قابل تکرار و قابل تایید نیستند که وجود داشتن خدا نیز یکی از آن هاست. من فکر نمیکنم هیچ آزمایشی وجود داشته باشد که شما بتوانید انجام دهید تا وجود خدا را اثبات و یا رد کنید. از این رو وجود داشتن یا نداشتن خدا یک موضوع قابل تایید نیست. شما نمی توانید آزمایشی را طراحی کنید که وجود خدا را اثبات یا رد کند. از این رو این یک موضوع قابل تایید نیست.»

https://innotechtoday.com/michio-kaku-clears-god-discovery/

---

[1]. http://agbiosafety.unl.edu/science.shtml

[2]. https://oregonstate.edu/instruction/bb317/scientifictheories.html

و در آخر نیز نظر آلبرت انیشتین را در مورد محدودیت علم می آوریم: دربارۀ فهم اصطلاح «علم» تقریبا همگی توافق داریم. علم در حقیقت، کوششهای قــرون گذشــته است برای آنکه پدیده های محسوس جهان را به وسیله تفکر منظم به صورت رابطه ای دقیق درآوریم. به عبارت دیگر «علم کوششی است بــرای خلــق دوبــاره جهــان هــستی بــه وســیله فرمولهای قابل درک. شایان ذکر است که علم فقط می تواند دربارۀ آنچه هست، یقین حاصل کنــد و نه دربارۀ اینکه آنچه باید باشد».[1]

[1]. enistien 1979, 41

نظریه m (نظریه ی چند جهانی)

راه دیگری که خداناباوران برای فرار از طراح هوشمند در نظر گرفتند بعد از اظهار و شکست تصادفی بودن خلقت «خلقت جهان از هیچ(خلاء کوانتومی) که با اظهارات شدید و انتقاد های زیاد دانشمندان روبرو شد، سعی در توجیه آن و تغییر رویکرد دیگری کردند این بار با آوردن یک نظریه دیگر، چند جهانی و یا به اصطلاحی دیگر جهان های موازی، بدین گونه که جهان های متعدد بسیار زیاد(میلیاردها جهان دیگر مثل جهان ما) وجود دارند و این جهان ها باعث بوجود آمدن این جهان ما شدند حال خود این جهان های موازی خود از یک ژنراتور بسیار عظیم تولید شده اند و نظریاتی بهتر است بگوییم فرضیاتی که هنوز ساینس فقط به صورت انتزاعی در باب آن نظر می دهد و آوردن آنان زیر ساینس به هیچ عنوان نه عقلانی و نه علمی است، جهانی که ما در حال حاضر در آن حال زندگی می کنیم به تعبیر دانشمندان بی خدایی همچون استیون هاوکینگ یکی از ۱۰ به توان ۵۰۰ جهانی است که وجود دارد، حرفی بسیار عجیب که بسیاری از آن به عنوان افسانه و خارج از توان علم نام برده شده و آن را متافیزیک خوانده اند چون به هیچ وجه جهان های موازی را نمی توان در زیر آزمایشگاه قرار داد و اصلا در دسترس نیستند تا شاهد بررسی و آزمایش آنان باشیم.

به بیانی ساده این نظریه پیش بینی می کند که عالم های بسیار زیادی از هیچ یا شاید یک ژنراتور بزرگ آفریده شده اند و آفرینش آنها مستلزم دخالت خدا نیست، بلکه این عالم های متعدد بطور طبیعی از قوانین فیزیک به وجود آمدند جهان هایی شاید به تعداد میلیارد.

مختصرا این نظریه بهترین تئوری برای مرتبط کردن و به نحوی **match** کردن نسبیت عام انیشتین و فیزیک کوانتوم است که تا به حال صورت گرفته و عامیانه تر عرض کنیم جدیدترین و بهترین نسخه ی آپدیت شده ی نظریه ی ریسمان است و تلاش آن این است این دو(نسبیت عام و کوانتوم) که تا حدود زیادی در مقابل هم قرار گرفته اند را یکی کند، این نظریه ۱۱ بعد را در جهان فرض می گیرد و به نحوی اگر بتواند توضیح دهد و ثابت شود و شواهد کافی که علم هنوز عاجز از آن است اینچنین فرض می کند که: «به وجود آمدن جهان ما حاصل برخورد جهان های دیگر است و نیازی به دخالت طراح نیست».

چطور می شود این همه جهان وجود داشته باشد، در خارج از این جهان ما، در حالی که هیچ کدام از آن ها در دسترس نیستند و در زیر آزمایش و علوم تجربی و آزمایشگاه های بشر قرار نمی گیرند اما باید بدان باور داشت ! ایده ی جهان های موازی که راه آخر فرار و توجیه برای آفرینش گیتی آنقدر خنده دار بود که سر راجر پن روز(**sir roger penrose**) همکار سابق هاوکینگ، که در افتخارجایزه ی ولف(**wolf prize**) با او سهیم است برجسته است. پنروز درباره ی استفاده ی هاوکینگ از مفهوم [عالم های چندگانه] در نظم بزرگ چنین گفته است: «از آن بیش از حد

استفاده شده است و این جایی است که از آن بیش از حد استفاده شده است، این بهانه ای است برای نداشتن نظریه ای خوب» [۱]

پاول دیویس نیز که هیچ وابستگی دینی ندارد می نویسد: «اگر نمی توانیم از جهان های دیگر دیدن کنیم و یا آن ها را مستقیما تجربه کنیم باید بیندیشیم که وجود آن ها مانند اعتقاد به خدا مسئله ی ایمانی است».[۲]

راجر پنروز اصطلاح عالم چندگانه را دوست ندارد زیرا فکر می کند غیردقیق است(زیرا هر چند این دیدگاه در حال حاضر باور به هم وجودی موازی جهان های بدیل مختلف است، اما این گمراه کننده است. جهان های بدیل در این دیدگاه واقعا به طور جداگانه «وجود» ندارند)

جان پاکینگورن فیزیکدان برجسته ی نظری نیز نظرش را درباره ی عالم های چندگانه چنین بیان می کند: « ببینیم این تفکرات واقعا چه هستند. این اصلا فیزیک نیست، بلکه به دقیق ترین معنا، متافیزیک است. هیچ دلیل علمی محضی برای باور به مجموعه ای از عالم ها وجود ندارد»[۳]

وی در ادامه اضافه می کند که «می خواهم باور کنم که اعتقاد به خدا گزینه ی بسیار منطقی تری به حساب می آید»

و همچنین دن پیج(**don page**) فیزیکدان نظری از دانشگاه آلبرتا که دانشجوی هاوکینگ نیز بوده و هشت مقاله را با وی به رشته ی تحریر در آورده چنین می گوید: «من یقینا موافقم که حتی اگر نظریه **m** نظریه ای کاملا صورت بندی شده بود(که هنوز نیست) و اگر صحیح بود(که البته نمی دانیم)، نشان نمی داد که خدا عالم را نیافریده» [۴]

نظریه ی چندجهانی یک نظریه ی انتزاعی است و نه یک نظریه در مورد خالق، این یک سناریو یا مجموعه ای از سناریو هایی است که جواب هایی را در بر دارد اما باز هیچ کدام از آن ها محل یقین ندارد، چند جهانی هیچ عالمی را نیافریده و نظر دانشمند بزرگ دیگر پل دیویس فیزیکدان معروف معاصر: «تبیین کلی عالم های چندگانه همان خدا- دادگرایی ساده است که به جامعه ی زبان علمی در آمده است. و هر دو نظامی بی نهایت ناشناخته، نادیدنی و ناشناختی به نظر می رسند».[۵]

و پروفسور جیم الخلیلی(**jim al_khalili**) میگوبد : «حتی نظریه ی علمی مناسبی هم نیست» و پل دیویس درباره ی آن می گوید: «این نظریه حتی در آینده قابل پیش بینی آزمون پذیر نیست»[۶]

---

۱. primer Cristian radio “unbilivable” with Justin Brierley 25 September 2010

۲. F. Dyson,Disturbing the Universe (Harper, 1979), P.) .251

۳. one world ,London ,spck, 1986, p.80. .

۴. نقل از نامه ی خصوصی به جان لینوکس

۵. Bernard carr, op,cit. p.495..

۶. hannah devlin, the times, 4 september cape, 2004,p.1010. .

فیزیکدان آکسفورد فرانک کلوز(frank klose) نظرش را اینطور من باب چندجهانی بیان می کند: « نظریه m حتی تعریف نشده است» و می گوید من باور نمیکنم این نظریه حتی یک ذره، اعم از له یا علیه، به بحث درباره ی خدا بپردازد.[۱]

چون باتروورث(jon butterworth) نیز این نظریه را کاملا فکری می داند و اظهار میدارد که این در جایی از علم قرار دارد که هیچ مدرکی برای آن نداریم.[۲]

پنروز که هیچ وابستگی دینی هم ندارد و عضو اومانیست های بریتانیا می باشد او بعد از چاپ کتاب نظم بزرگ هاوکینگ که گفته بود جهان از هیچ خود را می آفریند به شدت پاسخ می دهد: «یقینا هنوز این کار را نمی کند مشکل کتاب یکی دو تا نیست، این نظریه مجموعه ای از اندیشه ها و آرزوها و الهامات است و به شما این تصور را می دهد که می خواهد همه چیز را توضیح دهد اصلا این جور نیست حتی نظریه هم نیست» و در واقع نظریه ی m «به زحمت علم است»[۳]

دانشمندان در دانشگاه های کلتک، mit پرنستون و دیگر مراکز آزمایشی، در حال انجام محاسبات لازم هستند تا بفهمند آیا ورود به یک جهان موازی با قوانین فیزیک امکان پذیر است یا نه. از آنجا که امروزه هیچ مدرک تجربی دال بر وجود جهان های موازی وجود ندارد.[۴]

و چندی دیگر از دانشمندان که اینجا مجال بسط نیست و بصورت قاطعانه علیه این نظریه سخن به میان آورده اند و آن را باطل و مردود و در حد فرضیه هم دانسته اند پس چطور می شود آن را به عنوان یک حقیقت علمی و یا خلق این جهان قبول کرد و بدان باور داشت؟

جوئل پریماک از دانشگاه کالیفرنیا در در سانتاکروز می گوید: «ایده های موجود در این مقالات لزوما ناپایدار هستند»[۵]

اگرچه نظریه ی m تصویر جدید شگفت انگیزی از شیوه ای که جهان ممکن است آغاز شده باشد به ما می دهد، اما شخصا فکر می کنم هنوز کمی زود است که این نظریه را به کیهان شناسی وارد کنیم. من فکر می کنم مشکل اصلی این است که این مدل هنوز شکل نهایی خود را پیدا نکرده است. ممکن است نظریه m واقعا نظریه ای برای همه چیز باشد، اما عقیده دارم تا شکل نهایی آن هنوز بسیار فاصله دارد.[۶]

---

۱. science . live ,thr planet' thr times , eureka, issue 12, septembe 2010,p. 23
۲. hannah devlin, the times, 4 september cape, 2004,p.1010.
۳. راجر پنروز نظریه ی خود را در کتاب جدیدش2010, cycles of time bodley head مطرح ساخته است.
۴. جهان های موازی ص ۲۹
۵. جهان های موازی، میچیو کاکو ۲۸۱
۶. جهان های موازی، میچیو کاکو ص ۲۹۵

و باز هم چندین رفرنس دیگر دال بر رد چند جهانی(جهان های موازی) و مردود دانستن آن از زبان دانشمندان، پیتر وویت ریاضی دان و فیزیکدان مشهور و نویسنده کتاب های علمی در دانشگاه کلمبیا نوشت:

«یک نظریه علمی اولا باید دقیق و جامع باشد دوما دارای عناصر قابل تنظیم باشد

سوما با مشاهدات تجربی مطابقت داشته باشد چهارما موارد ابطال پذیری خویش را ذکر کرده باشد

اما متاسفانه نظریه هاوگینک هیچکدام از این شرط ها را ندارد» هاوکینگ برای اینکه فروش کتابش را بیشتر کند در این کتاب به جنگ خدا و دین رفته است جا دارد که از هاوکینگ سوال کنم چرا با چنین فرضیه ضعیفی به جنگ دین رفته ای؟ جهان های موازی و ادیان هر دو مثل هم هستند چون بر مبنای ایمان به نتیجه(نه آزمایش) بنا شده اند با این وضع نمیتوان این فرضیه را علمی خواند بلکه میتوان آن را در دسته بندی "شبه علم" قرار داد

http://www.math.columbia.edu/~woit/wordpress/?p=3141

جرج الیس فیزیکدان بزرگ و همکار خود هاوکینگ در ساینتیک آمریکن گفت: «ایده جهان های موازی میتواند برای فیزیک مدرن خطرناک باشد زیرا یک دروغ در بیرون از مرزهای ساینس است»

https://www.scientificamerican.com/article/does-the-multiverse-really-exist1/

پل استنهارت دانشمند بزرگ فیزیک نظری در دانشگاه هارواد نوشت: «این ایده که ما در جهان های موازی زندگی میکنیم که هر کدام خواص کیهانی و و قوانین فیزیکی متفاوتی دارند را نمی توان با پسوند علمی پشتیبانی کرد زیرا مشاهده کردن و پیش بینی پذیری این جهان ها غیر ممکن است چون قوانین هر تکه از این جهان ها بصورت متفاوت و تصادفی نسبت به جهان های دیگر انتخاب شده اند و برای همین هیچ الگوریتمی را نمی توان یافت که در پیش بینی پذیری این جهان ها به ما کمک کند».

https://www.edge.org/response-detail/25405

سارا اسکالز پژوهشگر فیزیک در سایت معتبر اسمیتسونین نوشت: «یک جهان و هر چیزی که در ان است دارای تعاریف مشخصی است و همه چیز در این جهان قابل مشاهده و اثبات است در حالیکه ایده جهان های موازی غیر قابل دسترس در فیزیک و کیهان و حتی فلسفه است»

فیزیکدانان نمی خواهند این ایده های پرطرفدار خود را آزمایش کنند. روللی می گوید: «که بسیاری از همکارانش فکر می کردند که با پیشرفت چشمگیر تکنولوژی و زمان زیادی که در اتاق فکر می کردند، می توانستند تا حالا آنها را تایید کنند او می گوید: "من فکر می کنم که بسیاری از فیزیکدانان راهی برای اثبات نظریه هایشان پیدا نکرده اند، همانطور که امیدوار بودند، و به همین دلیل آنها را گاز می گیرند".

http://www.smithsonianmag.com/science-nature/can-physicists-ever-prove-multiverse-real-180958813

استیون واینبرگ دارای جایزه ی نوبل فیزیک در مصاحبه با مجله کوانتا گفت: «ایده چند جهانی بیشتر شبیه یک بحث فلسفی در فیزیک است وقتی که ما به چارچوب های علمی مراجعه میکنیم ایده جهان های موازی را خارج از حوزه علم تجربی میابیم اما اگر کسی این ایده را قبول کند به ناچار باید به یک سری سوالات پسا علمی نیز پاسخ دهد که این سوالات را میتوان در حوزه فلسفه طبقه بندی کرد در حالیکه دانشمندان علم تجربی هیچ وقت نمیتوانند پاسخ این سوالات را دهند»

https://www.quantamagazine.org/20150317-sciences-path-from-myth-to-multiverse/

مهر تایید از منابع معتبر و درجه اول مبنی بر ناکارآمدی جهان های موازی(چند جهانی) رو از زبان «نیچر و گاردین»

نیچر به دفاع از علم فیزیک پرداخته و اعلام میکند نظریاتی مانند نظریه‌ی ریسمان و همچنین چندجهانی(وجود جهان‌های دیگر به غیر از جهان ما و جهان‌های موازی) نه تنها علمی نیستند بلکه منجر به تخریب علم میشوند.
ژورنال نیچر در این مقاله اعلام میکند که دلیل روی آوردن عده‌ای از دانشمندان به ایده‌ی چندجهانی تنظیمات دقیق و شگفت انگیز جهان است که اگر هر کدام از این تنظیمات اندکی متفاوت بودند حیات و زندگی در جهان هستی شکل نمیگرفت. در این مقاله آمده است:

The multiverse is motivated by a puzzle: why fundamental constants of nature, such as the fine-structure constant that characterizes the strength of electromagnetic interactions between particles and the cosmological constant associated with the acceleration of the expansion of the Universe, have values that lie in the small range that allows life to exist. Multiverse theory claims that there are billions of unobservable sister universes out there in which all possible values of these constants can occur…

ترجمه: ایده‌ی چند جهانی(وجود جهان‌های دیگر به غیر از جهان ما) بخاطر یک معما مورد توجه قرار گرفت: چرا ثابت‌های بنیادی طبیعت, مانند ثابت ساختار دقیق که میزان فعل و انفعالات الکترومغناطیسی بین ذرات را مشخص می کند و همچنین ثابت کیهانی که با شتاب گسترش جهان مرتبط است, دارای مقداری هستند که در یک محدوده‌ی

بسیار کوچک قرار دارند که اجازه می دهد حیات(زندگی) وجود داشته باشد. نظریه‌ی چندجهانی ادعا میکند که میلیاردها جهان غیرقابل مشاهده‌ی دیگر وجود دارد و همه‌ی مقادیر ممکن برای این ثابت‌ها در این جهان‌ها میتواند ظاهر شود...

◆ نکته‌ی جالبی که در این مقاله‌ی ژورنال نیچر وجود دارد این است که به وضوح اعلام میکند جهان به طور بسیار دقیق تنظیم شده است به گونه‌ای که با اندکی تغییر در هر یک از ثابت‌های طبیعت, حیات در هیچ کجای جهان هستی شکل نمیگرفت. دومین نکته‌ی جالبی که در این مقاله به آن اشاره شده است و در ادامه آن را می‌آوریم این است که خوده ژورنال نیچر اعلام میکند تنظیمات جهان به گونه‌ای دقیق هستند که دانشمندان مادی‌گرا در برابر آن هیچ راهی ندارند جز روی آوردن به ادعای غیرعلمی چندجهانی(وجود جهان های دیگر به غیر از جهان ما) و هیچ کدام از دیگر توجیحات مادی ارائه شده از طرف آن‌ها برای توجیه این تنظیمات, کارآمد نیست. به عبارت دیگر تنها امید آتئیست‌ها روی آوردن به ایده‌ی چندجهانی است که طبق این مقاله‌ی ژورنال نیچر نه تنها علمی نیست بلکه مخرب علم است. در ادامه‌ی این مقاله‌ی نیچر آمده است:

Some physicists consider that the multiverse has no challenger as an explanation of many otherwise bizarre coincidences. The low value of the cosmological constant — known to be 120 factors of 10 smaller than the value predicted by quantum field theory — is difficult to explain, for instance.

ترجمه: برخی فیزیک‌دانان میگویند که نظریه‌ی چندجهانی هیچ رقیبی ندارد که بتواند توضیحی باشد برای این تعداد بسیار زیاد از اتفاقات شگفت‌انگیز(تنظیمات دقیق جهان). به عنوان مثال مقدار دقیق ثابت کیهانی, سخت است که توضیح داده شود.(با ایده‌ی دیگری به غیر از چندجهانی سخت است که بتوان این تنظیمات دقیق را توضیح داد)•

✳ لینک مقاله ی ژورنال نیچر:

http://www.nature.com/news/scientific-method-defend-the-integrity-of-physics-1.16535

✳ لینک مقاله ی ژورنال گاردین:

Https://www.theguardian.com/commentisfree/2018/may/07/stephen-hawking-god-multiverse-cosmology

زمانی که کتاب طرح بزرگ و یا به اصطلاحی نظم بزرگ به چاپ رسید انتقادهای شدیدی را در پی داشت هر چند نسخه ی زیادی نزدیک به ده میلیون نسخه از کتاب به چاپ رسید اما کسانی که صاحب نام در عرصه ی علم بودند و

به رد خالق در بخش هایی پرداخته بود و کسانی این ادعای هاوکینگ در باب رد خدا را جواب دادند کم هم نیستند که در زیر به چندی از آنان میپردازیم.

برای مثال جان لینوکس دانشمند و پروفسور آکسفورد:«هاوکینگ قطعا اشتباه می کند ، شما نمی توانید جهان را بدون خدا توضیح دهید»[۱] و سایت معتبر scientificamerican نیز گفته های هاوکینگ را «همان چرندیات سابق نام میبرد»[۲]

فیلیپ گلف استاد دانشگاه بوداپست نیز می گوید «هاوکینگ به هیچ وجه نتوانسته نقش خدا را در آفرینش حذف کند» و همچنین بروس گوردن فیلسوف و ریاضی دان نیز آن را «غیر منطقی و ساده لوحانه می خواند»[۳]

سوزان گرینفیلد استاد آکسفورد نقش هاوکینگ را تشبیه می کند به مانند طالبان که سعی دارند آزادی بیان و بحث و گفتگو را خاموش کنند،[۴] و آقای ولفگنگ اسمیت نیز ریاضی دان و استاد mit هم حرف های هاوکینگ را چنین توضیح میدهد«فیزیک زیبا را با گمانه زنی های بی اساس و ناشیانه خراب کرد».[۵]

مارسلو گلیسر پروفسور فیزیک و نجوم در کالج دارتموث(Dartmouth): «اندیشیدن به یک نظریه ی نهایی با ذات فیزیک در تناقض است یک علم تجربی بر پایه ی مجموعه تدریجی از اطلاعات است هاوکینگ بهتر است دست از سر خدا بردارد»[۶]

سایت های زیادی علیه هاوکینگ نظراتی را صادر نموده که به چند نمونه اکتفا می کنیم.

مجله ی اکومونیست: «هاوکینگ نتوانسته توضیح دهد که چرا ما (جهان) وجود دازیم.

http://www.economist.com/node/16990802

تایمز: «هاوکینگ درباره ی وجود داشتن خدا اشتباه می کند»

http://www.thetimes.co.uk/tto/opinion/columnists/article2711505.ece

---

۱. http://www.dailymail.co.uk/debate/article-1308599/Stephen-Hawking-wrong-You-explain-universe-God.html

۲. https://blogs.scientificamerican.com/cross-check/cosmic-clowning-stephen-hawkings-new-theory-of-everything-is-the-same-old-crap/

۳. https://www.theguardian.com/commentisfree/2010/sep/30/stephen-hawking-disproved-gods-role-creation

۴. http://www.telegraph.co.uk/news/science/stephen-hawking/7988785/Baroness-Greenfield-criticises-Taliban-like-Stephen-Hawking.html

۵. https://perennialphilosophyreadings.wordpress.com/2012/02/26/response-to-stephen-hawkings-physics-as-philosophy-by-wolfgang-smith/

۶. http://www.npr.org/sections/13.7/2010/09/08/129736414/hawking-and-god-an-intimate-relationship

تلگراف: «ادعایی که هاوکینگ کرده جهان خالق ندارد، اما به هیچ وجه نباید تصور کنیم که علم و خدا رو در روی هم قرار گرفته اند»

http://www.telegraph.co.uk/news/religion/7979211/Has-Stephen-Hawking-ended-the-God-debate.html

نیویورک تایمز: «به طرز نا امید کننده ای سست و ناهنجار است»

http://www.nytimes.com/2010/09/08/books/08book.html?_r=2&scp=2&sq=Hawking&st=cse

سی ان ان نیز چنین گفته: «خدای مدنظر هاوکینگ خدایی است که بجای هر چیز در دانش او را جایگزین می کنند نه خدای ادیان ابراهیمی»

http://edition.cnn.com/2010/WORLD/europe/09/02/hawking.god.universe/?hpt=T2

نیروی اولیه ی بسیار بزرگی که هیچ کس نمی داند از کجا آمد و چرا آمد؟ انرژی فوق العاده زیاد که علم هیچ توضیحی در مورد آن ندارد، اگر بگویند که هنگام انفجار به وجود آمد پس چه چیز موجب خود انفجار و تولید انرژی شد ؟؟ انرژی همه میدانیم که به وجود نمی آید و از بین هم نمی رود. پس چه چیزهایی موجب به وجود آمدن انرژی شدند از کجا آمدند؟ در هر صورت به بن بستی برخواهند خورد که هیچ راه توجیهی تا عصر حاضر(قرن ۲۱) برای آن وجود نداشته، موید این گفته ی ما از زبان جمیز ترورن فیزیکدان برجسته که می گوید:

« من شرح دادم که چگونه انرژی می تواند به پروتون و ضد پروتون تبدیل شود و ماده به وجود آید.پروتون وضد پروتون نمی توانند از هیچ به وجود آیند.شما می توانید ماده و ضد ماده به وجود آورید ولی باید انرژی در دسترس داشته باشید »[1]

جهانی با دقت فوق العاده بالا و طراحی شده. جهانی که به اعتراف هاوکینک اگر به اندازه ی یک عدد بسیار زیر و کوچک زودتر یا دیرتر انفجار رخ می داد تمام معادلات به هم می خورد و جهان نابود می شد و هیچ حیاتی شکل نمی گرفت. آیا باز هم همه چیز تصادفی و شانس است ؟؟

[1] . پائول دیویس؛خدا و فیزیک مدرن؛فصل سوم؛ص۹۷ و ۹۹ و ۱۰۰

گذری کوتاه بر تاریخ انسانیت بی دینان

پاگذاشتن و راه کج ملحدین، انکار وجود یک خالق(خداوند) کاری بس عجیب نیست. چرا که افتخارات این افکار جنایات ۱۲۰ میلیونی و قتل عام مردم بود. یکم جلوتر برویم به عقلایشان از فلاسفه برسیم افرادی همچون نیچه و راسل و شوپنهاور که همگی نظراتشان خالی از گفتن نیست و از آقایان فروید و داوکینز و کراوس و هاوکینگ . معضلات اخلاقی بسیار بزرگی که دامنگیر آنها شده که مجال بحث نیست. آنها بدون هیچ پیش فرضی تنها و تنها تکیه بر عقل ناقص خود که ارمغان این عقل آن ها (همجنسگرایی و همجنس بازی، آدم خواری، شراب خواری، قتل، زنا با محارم (مادر و خواهر)، آزادی بدون حد و حصر جنسی، سقط جنین، خودکشی، جنایت ،قتل ،غارت، ازدواج با حیونات، و هزاران بدبختی و گرفتاری که عاید کسی می شود که خود را بی نیاز از خدا و دین میبیند) است.

کسانی که با نام انسانیت و بی دینی میلیون ها نفر را با خاک پودر کرده همچون استالین بیخدا که نزدیک چهل میلیون نفر از افتخارات کارنامه وی به شمار می رود، امثال هیتلر مادی گرا که بیست میلیون رو زیر خاک کرد و همچنین مائو رئیس جمهور چین کمونیستی و جنایت بیست میلیونی او و بی دینان دیگر همچون پل پوت را تاریخ فراموش نخواهد کرد. آیا این انصاف است که خدا و قیامتی در کار نباشد برای جبران این همه جنایت؟ اگر جواب منفی است و کسانی که به وجود خداوند متعال ایمان ندارند پس جنایت هیچ قبحی ندارد و چه اشکالی دارد بازهم یک نفر بیاید و میلیون ها نفر را به خاک وخون بکشد بدون هیچ بازخواستی ؟

زندگی بدون خدا و یا بهتر بگیم بدون دین یعنی تجاوز، تجاوزی که سرتاسر کشورهایی که به دین اهمیت نمیدهند را فرا گرفته از سوئد و سوئیس و هلند و کشورهای به اصطلاح غرق در امنیت و آرامش گرفته تا آمریکایی که آمار تجاوز به دقیقه رسیده، در صورت در حصر نبودن در یک شریعت خاص و تبعیت نکردن از آن می تواند همچون بی دینان کانابالیسم(آدم خواری) داشت می توان همچون نیچه و صادق هدایت(کاذب ضلالت) که تفکر نهیلیستی داشتند خودکشی کرد و آن را جایز دانست و بدان امر کرد، می توان همچون ملحدین که در حصر هیچ شریعتی نیستند همچون (آتئیست ها)ی بنامی همچون لاورانس کراوس با محارم خود زنا داشت، می توان همچون زیست شناس معروف ریچارد داوکینز زن خود را در اختیار شخصی دیگر قرار دهید، میتوانید همچون آقای زیگموند فروید سادیسم(دگر آزاری) داشته باشید می توانید امثال فردریش نیچه که بسیاری او را بهترین فیلسوف جهان و تاریخ قلمداد می کنند به (خودکشی،زن ستیزی و توهین بپردازید و قبیحانه ترین واژه ها را در مورد مردم بکار ببرید آقای نیچه زنان را گربه و مار تعریف می کند و می گوید: "وقتی به پیش زنانتان رفتید شلاق را فراموش نکنید" و میلیون ها آدم را بی سروپا می خواند)

می توانید میلیون ها آدم را بکشید و هر جنایتی که دلتان خواست، شما در صورت در حصر نبودن و در نظر نگرفتن خالق می توانید یک حیوان به تمام معنا باشید. همچنس بازی، قتل، زنا، تجاوز، ظلم و هر آنچه که شما دلتان می خواهد، هیچ دلیل و لزومی نیست که شما در صورت نبود یک خالق و معاد و دینی که مانع از شما بشه هر چیز که بر وفق مرادتان بود انجام ندهید. انسان مخیر و بصورت کاملا آزادانه حق انتخاب دارد. کم نیستند در تاریخ کسانی که قاتلان و خونخواران بشریت بودند. یک بار با نام ماتریالیست(ماده گرایی) یک بار با نام ناسیونالیسم(وطن گرایی) و یک بار به نام کمونیسم(بیخدایی) پا به عرصه گذاشتند. اگر معادی وجود نداشته باشد بشریت چه ضمانتی می دهد که حاضر خواهد بود امثال قاتلین بشریت بازهم دست به کشتار نزند؟

هنوز یادمان نرفته و تاریخ از یاد نخواهد برد جنگ جهانی اول و دوم را(با کشته شدن نزدیک ۸۰میلیون نفر) کشتند بشریت یاد نخواهد برد قتل عام مردم افغانستان و پاکستان و عراق و غارت ثروت خاورمیانه را، بشریت در تاریخ به حافظه خواهد سپرد جنگ ها و اعدام ها و سوزاندن های فلسطینی ها و میانمار را، از یاد نمی برد کشتار ۱۲۰ میلیون نفر که با تنازع بقای داروین صورت گرفت. کیست که باید این همه جنایت وحشیانه را پاسخ دهد؟ اگر قرار بر این است هیچ کس و هیچ چیز نباشد که عدالت و دادگاهی برای محاکمه برپا کند دیگر همه استالین و مائو و پل پوت خواهند شد و به جان ملت می افتند. و بشریت جز خلق و خوی حیوانی دیگر جایی برای زندگی نخواهد را نخواهد یافت.

در چند قرن اخیر تقریبا از قرن ۱۸ با آمدن مکاتب فلسفی شروع و قوت گرفتن استارت آن را می توان از داروینیزم دانست و راه را برای زیر سوال بردن ادیان هموار کرده و کار به جایی کشیده در که قرن حاضر(۲۱) از کوچکترین (جزئی ترین) تا بزرگترین(اصلی ترین) مباحث ادیان و مباحث مربوط به خالق دخالت کرده اند و همیشه سعی در صدد شبهه انداختن و ساختن دنیایی پر از فساد و تباهی با افکار های مختلفی که از کمونیسم و سوسیالیسم و ناسیونالیسم نشات گرفته که تقریبا همگی را میتوان بر مبنای {اومانیست} دانست. در صدد مبارزه و سلطه طلبی و حیطه ی کامل بودند تا بازهم امثال رهبرانشان ۱۲۰ میلیون آدم را با خاک یکسان کنند.

انسانیت در غیر از ادیان وجود ندارد، اخلاق در هیچ مکتب غیر دینی به معنای صحیحی وجود ندارد، بشریت در صورت کنار گذاشتن خدا و ادیان به مثابه ی یک حیوان است، در نظر بگیرید یک جهان بی خالق را، به حقیقت جایی برای زندگی دیگر میسر نخواهد بود.

ملحدینی که علم را تنها راه نجات بخش بشریت دانسته به خوبی می دانند بمب های اتمی چه بر مردمان بی گناه آورد، از یاد نمی برند سخنرانی مادر ترزا که می گوید: «بکار بردن بمب اتمی برای کشتار کودکان در جنگ مشکلی ندارد و ما استفاده می کنیم».

طراح هوشمند

در این نوشتار با دلایل متقن، نظریات صاحب نظران و دانشمندان بزرگ جهان که معترف به این بزرگی و نظم واعجاز فوق العاده گیتی شده اند را می آوریم و جهان را هیچ گاه حاصل تصادف ندانسته اند.

طراح این جهان مطمئنن باید خارج از ماده و خراج از قوانین جهان بوده باشه، تا احاطه ی کامل داشته باشه و او کسی و چیزی نیست جز خداوند متعال، همان قادر مطلق که در حصر هیچ قانون و زمان و مکانی نیست و اینکه ضرورتا نیاز به یک طراحی است برای خلق جهان که فراتر از دایره ی خلقت بوده باشه همانطور که دانشمند مشهور سی.اس. لویس می گوید: «اگر قدرتی کنترل کننده در بیرون از جهان ما وجود داشته باشد امکان دیدنش میسر نیست، درست مانند معماری که حقیقتا نمیتواند در و دیوار یا پله یا لوله بخاری خانه ای باشد که خودش ساخته است» [1]

آلان ساندیج یکی از مشهورترین اخترشناسان است که حتی برخی او را "پدر علم نجوم نوین" نام می نهند، چون کاشف کوازارها یا دور اخترها(اختروش) است... او اولین کسی که به برآوردی دقیق از قانون هابل و عمر کیهان رسیده است، همچنین دارنده جایزه کرافوود **Crafood** است که در علم نجوم معادل جایزه نوبل **Nobel** می باشد...

او گفت :«این علم و دانش من بود که باعث شد به این نتیجه برسم که جهان بسیار پیچیده تر از آن است که توسط علم توضیح داده شود. فقط توسط فراطبیعیت(ما فوق طبیعی) است که من توانستم معمای وجود و هستی را درک کنم». او پس از طی یک دوران که آتئیست شد اما بعدا خداباور شد و گفت: "علم، خدا را کشف کرده است"

http://www.washingtonpost.com/wp-srv/newsweek/science_of_god/scienceofgod.htm

تایید همین مبحث از سوی سایت معتبر و علمی **Cosmos**(کیهان): جهان چنان به طرز شگفت انگیز و اسرار آمیزی به طور دقیق تنظیم شده است که دانشمندان نمیتوانند هیچ توجیهی(مادی) برای این تنظیمات شگفت‌انگیز ارائه کنند.

https://cosmosmagazine.com/physics/a-universe-made-for-me-physics-fine-tuning-and-life

پول کلارنس ابر سولد دانشمند فیزیک زیستی و دارای دکترای در فلسفه می گوید: «آیا خدا یک شخص است؟ بعضی ها میگویند بلی، من تصور نمیکنم از نظر علمی چنین باشد مثلا خدا را مثل پادشاهی فرض نمود که در روی

[1]. C.S. Lewis, Mere Christianity, p. 19.

تختی نشسته و جهان را اداره می کند. از نظر علم نمیتوان درباره خدا تصور مادی کرد اگر چه وی خارج از قدرت تعریف و توصیف مادی بشر است ولی خیلی از پدیده های مادی وجود او را ثابت میکند و آثار منع وی را روشن میسازد که دارای عقل و علم و قدرت نامحدودی است» [1]

((لئونارد ساسکایند ،تئوریسین نظریه ریسمان هم می گوید: «تنظیم ظریف نمی تواند تصادفی باشد» و فریمن دیسون گفته: «به نظر می رسد که جهان از قبل می دانسته ما می آئیم» این ایده که تنظیم دقیق ثابت های فیزیکی تصادفی نبوده، بلکه بیانگر وجود یک برنامه یا چیزی از این دست است.

ورا کیستاکوفسکی از **mit**, می گوید: «این اصل نشانه ای برای وجود خدا است». او می گوید: «ترتیب دقیقی که در یافته های علمی ما از دنیای فیزیکی دیده می شود مستلزم وجود یک نیروی یزدانی است».

جان پاکینگورن هم می گوید:«این جهانی که میبینیم، جهان معمولی نیست، بلکه ویژه است و به دقت حیات تنظیم شده است و خالق خلاقی وجود دارد که مایل است اینگونه باشد» و همچین نیوتون نیز عقیده داشت که زیبای این قوانین، خود به وجود خدا اشاره دارند.)) (جهان های موازی ص ۳۰۸)

هاوارد اسمیت استاد ارشد فیزیک نجومی دانشگاه هاروارد و رئیس سابق دپارتمان نجوم در موزه‌ی ملی هوا-فضا و ستاره شناس ناظر در ناسا اظهار نظر او درباره ی طراح هوشمند شنیدنی است: «جهان بسیار بی‌عیب و نقص و کامل برای زندگی تنظیم شده است. همه ی شواهد نشان دهنده‌ی وجود یک هدف کیهانی برای ما(انسان‌ها) است. ما فقط در یک صحیح و درست زندگی می کنیم .اما فیلسوفان مدرن مانند توماس نگل و فیزیکدانان پیشگام فیزیکدان مانند جان ویلر، معتقدند که موجودات هوشمند باید به گونه ای با هدف، هدفی که کیهان به طور قطع تنظیم شده و نشان از تنظیم ظریف دارد».

https://www.washingtonpost.com/opinions/humanity-is-cosmically-special-heres-how-we-know/2016/11/25/cd327520-b0cc-11e6-8616-52b15787add0_story.html?utm_term=.134d6a444f72

نومن فیزیکدان آمریکایی: «من باور می کنم که خدا مجموعه ی جهان است که مشتمل است بر اصول علمی و انرژی و تمام اشکال حیات» [2] و اعتراف تلخ از آقای هاوکینگ به تنظیم ظریف جهان و طراحی هوشمند جهان او در گاردین می شنویم:

---

[1]. اثبات وجود خدا چاپ سوم صفحه ۶۷

[2]. Ibid. P.72

«استفن هاوکینگ (شاید مشهورترین کیهان شناسی جهان) در کتاب پرفروشش، تاریخچه مختصری از زمان، اظهار داشت: "واقعیت قابل توجه این است که ارزش این عدد (یعنی ثابت های فیزیک) به نظر می رسد بسیار ریز تنظیم شده است تا توسعه حیات را امکان پذیر سازد "»(ص ۱۲۵).

به عنوان مثال هاوکینگ نوشت: «اگر بار الکتریکی الکترون فقط کمی متفاوت بود، ستاره ها قادر نبودند هیدروژن و هلیوم را بسوزانند، یا به این ترتیب آنها منفجر نخواهند شد ... به نظر می رسد واضح است که مقادیر نسبتا کمی برای اعداد وجود دارد (برای ثابت ها) که به توسعه هر گونه زندگی هوشمند اجازه می دهد».

https://www.theguardian.com/commentisfree/andrewbrown/2009/jan/08/religion-atheism-longley-advertising

ویلیام دنیل فیلیپس ،استاد فیزیک و برنده جایزه نوبل فیزیک: «من به خدا اعتقاد دارم .در واقع، من به یک خدای شخصی اعتقاد دارم که با خلقت عمل می کند و با آن ارتباط برقرار می کند. من معتقدم که مشاهدات در مورد منظم بودن جهان فیزیکی و رعایت ظاهرا استثنایی شرایط جهان برای توسعه زندگی نشان می دهد که یک خالق هوشمند مسئول است».

http://www.azquotes.com/quote/587254

ارل چستر رکس دانشمند فیزیک و ریاضی: «من شخصا به وجود خدای قادر بی همتایی که جهان را تحت سیطره و کنترل خود دارد ایمان و اعتقاد دارم».[1]

نیس اسکانیا، رئیس رصدخانه‌ی دانشگاه کمبریج: «اگه ما یکی از این تنظیمات جهان را فقط اندکی در یک جهت تغییر دهیم, ستاره‌ها نابود می شدند و جهان شکل نمی گرفت و اگر ما این تنظیمات دقیق را در جهت دیگر تغییر دهیم, هیچ عنصری سنگین تر از هلیوم شکل نمیگرفت. نه کربنی, نه حیاتی نه هیچ ماده‌ی شیمیایی. به هیچ وجه هیچ پیچیدگی‌ای شکل نمیگرفت».

https://www.theguardian.com/commentisfree/andrewbrown/2009/jan/08/religion-atheism-longley-advertising

میچیو کاکو از فیزیکدانان برجسته و حال حاضر جهان است کاکو، صندلی هنری سمات و استاد در فیزیک نظری در کالج نیویورک رو بر عهده داره و بیش از ۷۰ مقاله در مجلات فیزیک در زمینه موضوعاتی نظیر ابررسانایی، نظریه ابرتقارن، سوپراگاتیت و فیزیک هادرونیک منتشر کرده است معترف به یک طراح هوشمند و منکر یک تصادف

[1]. اثبات وجود خدا چاپ سوم صفحه ۲۱۴

هست، کاکو گفت: "من نتیجه گرفتم که ما در جهان ساخته شده توسط قواعد ایجاد شده ای توسط یک هوش برتر هستیم، به عنوان نقل شده از انجمن ژئوفیزیک مطالعات انسان شناسی و فرهنگی: « برای من واضح است که ما در یک برنامه وجود داریم که تحت قوانینی است که توسط یک هوش جهانی و نه به صورت تصادفی شکل گرفته است»

میچیو کاکو در ویدیویی در سال ۲۰۱۳ در این لینک هم قرار داده شده خدا را یک ریاضیدان معرفی می کند، کاکو معتقد است که علم به یک خالق هوشمند که جهان را تشکیل می دهد، اشاره می کند.

منبع: http://www.intellectualtakeout.org/blog/world-famous-scientist-god-created-universe

نکته ی دیگری نیز که لازم به ذکر است این است که در قرن حاضر به دلیل نظریاتی از سوی فیزیکدان های ملحد و جو حاکم بر جامعه ،بسیاری از دانشمندان از آوردن اعتقادات مذهبی و دخیل کردن آن با نام علم خودداری می کنند و به همان عظمت و بزرگی و منظم بودن خالق اکتفا می کند.

همین موضوع را نیز آقای جان پاکینگورن هم می گوید: «هر دانشمندی که ملاحظات و اعتقادات کلامی خود را در علم به کار گیرد در آستانه ی تهدید جامعه ی علمی قرار می گیرد» و اکثریت به همانند دئیست ها عمل می کنند در این قضیه، فیزیکدان و نظریه پرداز آمریکایی دیسون می گوید:«من از رویداد های فیزیک نتیجه می گیرم که جهان به طور غیر منتظرانه جایی مکانی برای موجودات زیستی است و من دوست دارم و ادعا می کنم که جهان با فرض اینکه شعور نقش اساسی در آن به عهده دارد سازگار است».

فردریک برنهام مورخ علم: «یافته های علمی ،اندیشه ی آفرینش جهان توسط خداوند را بیش از هر زمان دیگر در صد سال گذشته مورد توجه قرار داده است»[۱]

جرج گرینشتین می گوید: «هنگامی که همه ی شواهد را بررسی می کنیم این اندیشه مصرانه مطرح می شود که عاملی فراطبیعی باید کار باشد».[۲]

آرتور لئوناردو شالو فیزیکدان برنده نوبل فیزیک: نیاز به خدا را در جهان و زندگی ام میبینم [۳]

https://en.m.wikipedia.org/wiki/Arthur_Leonard_Schawlow

---

۱. تاریخچه ی زمان ص۲۳۷

۲. تاریخچه ی زمان ص۲۴۶

۳. Margenau, H. (1992), Cosmos, Bios, Theos: Scientists Reflect on Science, God, and the Origins of the Universe, Life, and Homo p105

واقعیت فوق‌العاده این است که این اعداد به طور بسیار دقیق و ظریف تنظیم شده اند که منجر به ظهور حیات شوند. به طور واضح مشخص است که محدوده‌ی بسیار کوچکی از مقادیر برای این اعداد وجود دارد که بتواند منجر به ظهور حیات هوشمند شود(اگر اعداد اندکی کمتر یا بیشتر بودن هیچ نوع حیات هوشمندی شکل نمیگرفت) این‌ها(این تنظیمات دقیق) شواهدی هستند از یک هدف الهی در خلقت و انتخاب قوانین علمی.[1]

https://www.theguardian.com/commentisfree/andrewbrown/2009/jan/08/religion-atheism-longley-advertising

در واقع این به اصطلاح "هیچ" (یا "خلاء کوانتومی") که شامل انرژی و میدان‌های کوانتومی نوسانی و ذرات و پاد ذرات است, خود یک مکانیزم(یک دستگاه, یک ماشین) است که قطعا و بدون هیچ شکی احتیاج به یک طراح دارد(مانند هر ماشین, دستگاه و مکانیزم دیگری که احتیاج به طراح دارد) و ناباوران برای فرار از نپذیرفتن حقیقت مجبور شده‌اند رسما خود را گول زده و نام "هیچ" را بر این مکانیزم بگذارند که واقعا از یک انسان عاقل بعید است

https://www.theguardian.com/science/2013/nov/10/what-is-heisenbergs-uncertainty-principle

زمین سیاره‌ای حفاظت‌کننده با شرایط کامل برای رشد و گسترش یک زندگی هوشمند است. اگر شرایط فیزیکی جهان کمی متفاوت می‌بود اینچنین سیاره‌ای نمی‌توانست وجود داشته باشد. اگر جهان با این حد از دقت شگفت‌انگیز خلقت نشده بود ما هرگز امکان نداشت به وجود بیاییم. در ادامه جان اوکیف(ستاره‌شناس ناسا) استنتاج می‌کند "دیدگاه من این است که این شرایط نشان دهنده این است که جهان، (هوشمندانه) برای زندگی انسان آفریده شده است"

شواهد علمی حاکی از آن هستند که جهان در نقطه مشخصی در زمان خلقت شده است و این امر نشان می‌دهد که جهان برای تولید زندگی انسانی طراحی شده است. هم خلقت و هم طراحی مستلزم وجود خالقی و طراحی کننده‌ای می‌باشد -- که خداست.

دانشگاه پنسیلوانیا - آمریکا

https://www.sas.upenn.edu/~jtigay/sci.htm

دکتر فرانسس کولینز دانشمند دیگر حوزه ی ژنوم کاشف رمز های dna مدیر پروژه ژنوم انسان بعد از گذشت ۳۰ سال ناباوری به دلیل شگفتی های فوق العاده ی dna خداباور شد و چنین نظرش را من باب خالق و دین بیان می کند

[1] Hawking, A Brief History of Time, p.125, p.122

و به دفاع از دین هم می پردازد و تکامل را هم ناقص و دارای مشکل می بیند او معتقد است علم به سوالات اساسی بشر پاسخ نمی دهد.

"من دریافته‌ام که یک هماهنگی شگفت آور بین حقایق تکمیلی علوم تجربی و ایمان وجود دارد. خدای انجیل همان خدای ژنوم هاست. خداوند هم در کلیسا حضور دارد هم در لابراتوار. با بررسی عظمت خدا و آفرینش حیرت‌انگیز او علوم تجربی واقعاً وسیله‌ای برای پرستش خداوند خواهند بود."

http://www.cnn.com/2007/US/04/03/collins.commentary/index.html

https://www.ncbi.nlm.nih.gov/pmc/articles/PMC1849885/

ادوارد هریسون فیزیکدان و ستاره شناس بریتانیایی: «اکتشافات کیهانی وجود خدا را اثبات میکند تنظیمات ظریف جهان مهمترین شواهد وجود طراح کیهانی است».

http://www.azquotes.com/quote/587248

ادوارد آرتور میلن اختر فیزیکدان بریتانیایی: «تصویر ما از جهان بدون خداوند ناقص است»

https://www.sas.upenn.edu/~jtigay/sci.htm

حتی تعداد زیادی از کسانی هم که طرفدار داروینیزم و فرگشت نیز هستند به خالق یقین دارند و در هاروراد هم این مطلب به خوبی روشن میشود: « تقریبا ۳۷ درصد از دانشمندان آتئیست (خداناباور) یا آگنوستیک (ندانم‌گرا) هستند. ۶۳ درصد از دانشمندان، خدا یا یک قدرت برتر را قبول دارند».

http://web.archive.org/web/20100711235435/http://musicology.typepad.com/dialm/files/religions.pdf

در این سایت هم تقریبا نصف فرگشتی ها رو خداباور اعلام می کنه و با وجود آن همه خیانت علمی که حول داروینیزم صورت میگیره باز هم نتوانسته دانشمندان را از این طراح هوشمند غافل کنه.

https://ncse.com/library-resource/many-scientists-see-gods-hand-evolution

در طول صـد سال اخیر ، که به حقیقت تکینگی فوق العاده ای در تمامی علوم بود و الان نیز به همین منوال، در این شرایط کاملا علمی ۹۰ درصد از برندگان نوبل این سده خداباور بوده اند.

https://books.google.com.br/books?id=3jrbmL-DgZQC&pg=PA57&source=gbs_toc_r&cad=3#v=onepage&q&f=false

ادعای بزرگی که خداناباوری (الحاد) دارد نه پیشینه ی (نقلی)تاریخی دارد و نه دلایل عقلی و منطقی محکم در باب انکار وجود الله. با نادیده گرفتن علت العلل و واجب الوجود این جهان(خدا) تمام فلسفه زیر سوال می رود. انکار خالق گیتی چیزی بسیار سرسام آور هست و پشت پا زدن به دانش اکثریت دانشمندان از انیشتین دانشمند بی بدیل تاریخ نابغه ی یکه تاز جهان که این چنین نظرش در در باب خالق عنوان می دارد: می خواهم بدانم خدا چگونه این جهان را آفریده است... می خواهم اندیشه هایش را بدانم، باقی جزئیات است[1]

و در جایی دیگر می گوید: با تفکر در طبیعت اعتقادم به خدا بیشتر میشود[2]

و جمله ی معروف او «بارهای بار گفته ام که خدا برای اداره ی جهان تاس نمی اندازد»

https://www.bethinking.org/god/did-einstein-believe-in-god

برخی از ملحدین که در صدد بی خدا کردن برخی دانشمندان هستند جالب است انیشتین را نیز در این لیست قرار داده اند اما با مطالب و منابعی که ارائه دادیم این دروغ نیز هم برای محققین آشکار می شود و انیشتین چندین بار به ذهن برتر روح برتر خدا و جهان اشاره می کند و او عمیقا به وجود خالق معتقد بوده است

https://www.google.com/amp/amp.washingtontimes.com/news/2015/jun/11/albert-einstein-was-no-atheist-27-letters-up-for-a/

چه چیز باعث شده که برخی برای به کرسی نشاندن تراوشات ذهنی خود اکثر دانشمندان جهان را بی خدا بنامند درحالی که این تنها یک دروغ است و با واقعیت در تضاد است. از دانشمندان قدیم تا عصر حاضر با دلایل و براهین کافی نشان دادیم و باز هم در معرض دیدگان نشان خواهیم داد که این حرف از نادانی و جهالتی بر می آید که متکبرانه دست به دامن رفرنسی از ۳۰سال پیشاز نیچر می شوند عصری که چندین دانشمند بخاطر تحت تاثیر قرار

---

[1] . From E. Salaman, “A Talk With Einstein,” The Listener 54 (1955), pp. 370-371

Jammer, p. 123, Einstein and religion

[2] . berlin in lights by harry Kessler p 138

گرفتن برخی از نظرات اشتباه و از طرفی هم ناکارآمدی مسیحیت تحریف شده و بی اطلاعی و غالبا کم اطلاعی از دین اسلام و خفقان علمی که در اروپا و آمریکا حکم فرما بود ناشی شد.

کسانی که پرچمدار علم مدرن بودند و بشریت بدان ها مدیون است که اکثرا دیندار هم هستند به گزارش معتبرترین ژورنال حاضر نیچر[۱] کسانی همچون: (آلبرت انیشتین ،بلز پاسکال ،آرتور کامپتون ،ارنست هاکل ،ادوارد شرودینگر ،فرانسیس بیکن ،فرانسیس کالینز ،گالیله ،گوتفرید لایبنیتس ،مندل گوگلیلو ،مانتونی ،اسحاق نیوتون ،جیمز کارک ،ماکسول ،یوهانس کپلر ،جان اکلس، لویی پاستور ،ماکس پلانک ،مایکل فارادی ،نیکولاس کوپرنیک ،رنه دکارت ،رابرت بویل ،رابرت آ میلکن ،ورنر هایزنبرگ ،ویلیام هاروی ،ویلیام کلوین ،ارسطو، فرانسیس بیکن، لئوناردو داوینچی، رابرت بویل کارل بینه، ادوارد جنر، چارلز بابیج، جوزف لیستر، ویلیام تامسون و آرتور استنلی ادینگتون) [۲]

بزرگترین دانشمندان تاریخ خداباور بوده اما از دیدگان پنهان مانده و تنها چند دانشمند ملحد در چند زمینه ی محدود را به همه ی دانشمندان جهان تعمیم داده(مغالطه ی تعمیم جزء به کل)؟ آتئیست ها متاسفانه به خاطر خیانت علمی در منابعی که ارائه می دهند به منابع خداباوران رجوع نکرده و نیمچه نگاهی هم به رفرنس ها نکرده و همیشه سعی در سرپوش گذاشتن حقیقت داشته اند اما در اینجا به چندین مورد اشاره خوایم کرد تا کسانی که طالب حقیقت هستند بیشتر به واقعیت موجود پی ببرند.

در منبع معتبر دیگری نیز می خوانیم که بیشتر دانشمندان به خدا اعتقاد دارند[۳]

در حوزه ی پزشکی هم میزان خداباوری و اعتقاد به خدا در تحقیقی از دانشگاه شیکاگو چنین آمده: حدود ۷۶ درصد پزشکان خداباور هستند [۴]

و باز هم از منابع آکادمیک و تحقیقات گسترده این بار از زبان (دانشگاه رایس و همچنین فیزیولوژی) میخوانیم که اکثر دانشمندان جهان خداباور هستند و درصد کمی معتقد به تضاد بین علم و دین هستند.

🌐 لینک این مقاله در سایت علمی **phys .org**:

http://phys.org/news/2015-12-worldwide-survey-religion-science-scientists.html

🌐 لینک مقاله در دانشگاه رایس:

---

۱. http://nature.com/nature/journal/v501/n7465/full/501033c.html

۲. https://www.famousscientists.org/25-famous-scientists-who-believed-in-god/

۳. http://reasonsforjesus.com/scientists-believe-god-studies-concludes/

۴. http://chronicle.uchicago.edu/050714/doctorsfaith.shtml

http://news.rice.edu/2015/12/03/first-worldwide-survey-of-religion-and-science-no-not-all-scientists-are-atheists/

از مهم ترین و معروف ترین دانشمندان خداباور دیگر جهان نیز لیست کوتاهی رو معرفی می کنیم تا به حقیقت و واقعیت بیشتر پی ببریم. کسانی که در علوم مختلف سرآمد بودند و اکثریت دیندار، اما هیچ گاه علم آنان در مورد خالق در راستای تکبر و تعصب نبوده و در مقابل خالق زانوی تلمذ خم کرده و بدون استثنا معتقد به طراح هوشمند بوده اند.

ویلهلم رانتگن ⇚ برنده جایزه نوبل کاشف اشعه ایکس

آنتوان لاووازیه⇚ پدرشیمی مدرن

ویلیام کین⇚ پیشگام جراحی مغز

دانشمند موشک ورنهر وان براون و ارنست والتون⇚ اولین فردی که اتم را ب طور مصنوعی شکافت

حتی خود تئوری بیگ بنگ – که آتئیست ها به اشتباه فکر می کنند تکیه گاه استدلال های آن ها علیه خداوند است – توسط جورج لومتر، اخترشناس بلژیکی و کشیش کاتولیک رومی پیشنهاد شده است! پدر ژنتیک، که پایه ای برای کل تئوری تکامل فراهم می کند، گرگور مندل، راهبان آگوستینی بود

دونالد هانری پورتر ⇚دانشمند حوزهی ریاضی و فیزیک

جرج ایرل داویس⇚ فیزیکدان آمریکایی و فلسفه دان

جابر ابن حیان ⇚پدر علم شیمی

ژرژ لومتر ⇚از بنیان‌گذاران بیگ‌بنگ

مایکل فارادی⇚ یکی از دانشمندان شهیر تجربی همه اعصار

لرد کلوین ⇚ریاضیدان و فیزیکدان و مهندس بریتانیایی و یکی از پیشگامان مهم علوم طبیعی در قرن نوزدهم

یوهان گرگور مندل ⇚پدر دانش ژنتیک نوین

ابن هیثم ⇚پدر علم اپتیک

خوارزمی ⇚پدر علم جبر، ریاضیدان، منجم

پاستور ⇚زیست شناس پر آوازه فرانسوی

نیکلاس کوپرنیک ⇚کاشف خورشید مرکزی و پیشگام ستاره شناسی نوین

پاسکال⇚ ریاضی‌دان، فیزیک‌دان و فیلسوف فرانسوی

انیشتین ⇚ پایه گذار تئوری نسبیت عام

کپلر ⇚ پدر علم ستاره‌شناسی جدید

گالیله ⇚ پدر علم مکانیک، فیزیکدان و منجم بزرگ و پر آوازه

رابرت بویل ⇚ شیمی‌دان، فیزیک‌دان، فیلسوف طبیعی و مخترع مشهور انگلیسی

رنه دکارت ⇚ پدر فلسفه مدرن و هندسه تحلیلی

هگل ⇚ مهمترین وموثرترین فیلسوف قرن ۱۹

لینه ⇚ پدر علم تاکسونومی

نیوتون ⇚پایه گذار مکانیک کلاسیک

هایزنبرگ ⇚بنیانگذار نظریه مکانیک ماتریسی و از پیشگامان نظریه کوانتومی

ژرژ کوویه⇚ پدر دیرینه شناسی

آساگری ⇚گیاه شناس معروف

دونالد رابرت کار ⇚ متخصص ژئوشیمی و دکتر در فلسفه

هربرت اسپنسر ⇚ فیلسوف بزرگ انگلیسی قرن نوزدهم

لئون دنی ⇚ روح شناس و دانشمند معروف فرانسوی

لیسنه ⇚ طبیعی دان معروف سوئدی

باروخ اسپینوزا ⇚ شاهزاده ی فلسفه، فیلسوف مشهور هلندی

جرج ابرل داویس ⇚ فیزیکدان آمریکائی که دکترای فلسفه

فن براون ⇚ بزرگترین دانشمند موشکی آمریک

جان کلولند کوثرن ⇚ ریاضی دان و شیمی دان

ولتر ⇚ دانشمند معروف فرانسوی

ادوار نوتر کیل ⇚ دانشمند حشره شناس و رئیس اداره ی زیست شناسی در دانشگاه سانفرانسیسکو

ادینگتون ⇚ منجم مشهر انگلیسی

اکسینوفان ⇚ از فلاسفه ی بزرگ و صاحب نام

مولین گرانت اسمیت ⇚ عالم نجوم و ریاضی

جان لاک ⇚ حکیم بزرگ انگلیسی

رومین ⇚ فیلسوف معروف انگلیسی

لرد اوبری ⇚ دانشمند معروف

والتر ادوارد لامرتس ⇚ دکتر فلسفه و عالم وراثت

اولیور وندل هولمز ⇚ نویسنده و طبیعی دان بزرگ آمریکائی

المرو مورو ⇚ محقق شیمی

کرسی موریسن ⇚ دانشمندعلوم طبیعی و رئیس آکادمی علوم نیویورک

شارل دو منتسکیو ⇚ دانشمند معروف فرانسوی

آلبرت ماک کومب و ینجستر ⇚ زیست شناس و دکتر در فلسفi و رییس سابق اکادمی علوم فلوریدا

جان ادلف بوهلر ⇚ دانشمند شیمی و دکترای در فلسفه

مارلین بوکس کریدر⇚ فلسفه دان و فیزیولژیست آمریکایی

پروفسور راجر تریگ⇚ استاد دانشگاه اکسفورد

پروفسور پل دیویس⇚ استاد کیهان شناسی دانشگاه آریزونا و برنده جایزه های تمپلتون، فارادی و کلوین

پروفسور ایان هاتچینسون ⇚ استاد فیزیک هسته‌ای دانشگاه ام‌آی‌تی، یکی از سه دانشگاه برتر جهان

پروفسور آرود لوئیس⇚ استاد فیزیک دانشگاه آکسفورد

پروفسور جاناتان فانگ ⇚ استاد کیهان‌شناسی و فیزیک دانشگاه کالیفرنیا

پروفسور رازالیند پیکارد ⇚ رئیس بخش شبیه‌سازی کامپیوتری هوش و احساس انسان در دانشگاه ام‌آی‌تی

پروفسور کنت میلر ⇚استاد زیست‌شناسی دانشگاه براون، یکی از دانشگاه‌های آیوی لیگ یعنی معتبرترین گروه دانشگاهی جهان

پروفسور دنیل هاستینگز ⇚ استاد ستاره‌شناسی دانشگاه ام‌آی‌تی

پروفسور تروی ورهیس⇚ استاد شیمی دانشگاه ام‌آی‌تی

مرلین گرانت اسمیت ⇚ عالم نجوم و ریاضی

پراون ستوپاتی⇚ استاد ژنتیک دانشگاه کارولینا و داور بیش از ۳۰ ژورنال علمی

جان کلولند کوثرن ⇚ ریاضی دان و شیمیدان

چارمین رویال⇚ استاد ژنتیک دانشگاه دوک آمریکا

پروفسور فرانسس کالینز ⇚ رئیس سابق پروژه‌ی جهانی ژنوم انسان

پروفسور ورنر هایزنبرگ⇚ فیزیک‌دان و برنده جایزهٔ نوبل سال۱۹۳۲م. در پایه‌گذاری مکانیک کوانتوم

جوزف هیل تیلور جونیور⇚ در سال ۱۹۹۳ جایزه نوبل فیزیک را برای کشف اولین پالسار دودویی شناخته شد و برای کارش که از نظر تئوری بیگ بنگ در ایجاد جهان بود، دریافت کرد.

و بسیاری از دانشمندان دیگر حوزه های مختلف علمی، اینان همگی به خدا باور داشته اند و چهل دانشمندی که متخصص در رشته های مختلف زیست و فیزیک و زمین شناسی و گیاه شناسی و علوم تجربی و انسانی و فنی و .... که در کتاب اثبات وجود خدا جان کلور به اختصار آورده و به دلایل وجود اثبات خالق پرداخته اند[1].

و اشخاص دیگری که به این طراح و تنظیم ظریف معترف شده اند همچون لئونارد ساساکایند تئوریسین نظریه ی ریسمان می گوید: «تنظیم ظریف نمی تواند تصادفی باشد» و کسانی دیگر همچون لی اسمولی نظریه پرداز و فیزیکدان و آلکساندر ویلنکین، روبرت ماکز، گویلرمو گوانزالز، میشل اگنور، ریچارد استنبرگ و تعداد زیادی از دانشمندان که به خالق توانا و طراحی بدون نقص او اعتراف کرده اند .

حال به چند تنظیم ظریف که بدان ها اشاره می کنیم نگاهی می اندازیم آیا منطقی است آن را تصادف بنامیم یا طراح (خدا) بهترین گزینه است؟

زمین در ناحیه ی گولدیلاکس از خورشید قرار دارد، درست در فاصله ای که آب، این «حلال عالمگیر» به منظور ایجاد مواد شیمیایی لازم برای حیات، به صورت مایع وجود داشته باشد، اگر زمین در فاصله ی دورتری قرار داشت ممکن

[1]. https://www.balatarin.com/permlink/2011/12/18/2843675

بود سطح زمین مانند مریخ به صورت یک صحرای یک«صحرای منجمد» باشد؛ سطحی خشک و بی حاصل که بر روی آن آب و حتی دی اکسید کربن نیز اغلب به صورت جامد وجود دارند. حتی در زیر سطح خاک مریخ، لایه ای دائمی از یخ وجود دارد. و اگر مقدار کمی دور تر و نزدیک تر قرار میگرفتیم از خورشید امکان حیات وجود نداشت

ما نه تنها در محدوده ی گولدیلاکس خورشید قرار داریم بلکه در مجموعه ای از نواحی گولدیلاکس دیگر به سر میبریم و همچنین کوچک بودن ماه از این مقدار که وجود دارد اگر صورت می گرفت بازهم امکان حیات بسیار پایین بود ،به منظور پیدایش حیات روی زمین باید حدود صدها میلیون سال سیاره ی ما پایدار بوده باشد، اما ساختن جهانی که صدها میلیون سال پایدار باشد به طور حیرت آوری مشکل است «اگر یک پروتون کمی کم تر از یک نوترون وزن دارد، نوترون ها در نهایت به پروتون که حالت انرژی را اشغال می کند، تنزل می یابند. اگر پروتون تنها ۱ درصد سنگین تر بود به یک نوترون تبدیل شده و به این ترتیب تمام هسته ها ناپایدار شده و از هم می پاشیدند، و به بیان دیگر تمام اتم ها تجزیه و حیات غیرممکن می گردید»

«پروتون پایدار است و یک ضدالکترون تنزل نمی یابد، آزمایش ها نشان داده اند که عمر یک پروتون بسیار زیاد است بسیار طولانی تر از عمر خود جهان، به منظور ایجاد dna، پروتون ها باید برای مدت زمان حداقل صدها میلیون سال پایدار بوده باشند»

«اگر نیروی هسته ای قوی، کمی ضعیف تر بود، هسته هایی مثل دوتریم ازهم پاشیده و هیچ کدام از عناصر جهان نمی توانستند از طریق هسته ای که به طور پیوسته درون ستارگان ایجاد شوند، اگر نیروی هسته ای قوی کمی قوی تر بود، ستارگان سوخت هسته ای خود را بسیار سریع تر می سوزاندند وحیات فرصت تکامل نمی یافت، اگر نیروی هسته ای ضعیف را نیز تغییر دهیم ، این بار هم در می یابیم که حیات غیرممکن می گردد»

دانشمندان فهرست بلندی از چنین تصادفات کیهانی را از چنین«تصادفات کیهانی خوشایند» تهیه کرده اند،وقتی به لیست نگاه می کنیم حیرت آور است، لیست پر ابهت از ثابت های شناخته شده جهان، اگر تنها یکی از این تصادفات به گونه ی دیگری اتفاق می افتاد، ستارگان هرگز شکل نمی گرفتند، جهان از هم می پاشید، dna,وجود نمی داشت، حیات غیرممکن می بود،

ستاره شناسی به نام هیوراس، برای تاکیید بر قابل توجه بودن این شرایط این مسئله را با شرایطی مقایسه کرده است که در آن نتیجه برخورد یک طوفان با یک هواپیمای اوراق، یک هواپیمای ۷۴۷ به طور کامل سرهم و ساخته شود))

(جهان های موازی، میچیو کاکو ص ۳۰۷/۳۰۶)

ثابت های فیزیکی زیادی مانند سرعت نور c ، ثابت گرانشی g ، ثابت پلانک h ، ثابت بولتزمن k ، جرم الکترون ، جرم پروتون ، ثابت الکترومغناطیسی ، ثابت نیروی هسته ای قوی ، ثابت نیروی هسته ای ضعیف به عنوان ثابت های بنیادین در نظر گرفته میشود. ما نمیدانیم چرا باید این ثابت ها دقیقا همان مقداری باشند که باید باشند.

با این حال اگر مقدار هر کدام از این ثابت ها در ابتدای جهان کمی متفاوت بود، زندگی در جهان کاملا دگرگون میشد و حیات نمیتوانست در جهان ظاهر شود. حتی در بعضی موارد جزئی اگر امکان حیات فراهم میشد ، امکان ظهور حیات هوشمند غیرممکن بود

کالج استنفورد

http://quake.stanford.edu/~bai/finetuning.pdf

پس چه چیزی باعث شده بزرگترین دانشمندان جهان به خالق پی ببرند اما چندی از ملحدین بدون هیچ علمی و قطعیتی وجود خالق را انکار می کنند؟ پنهان شدن در پشت علم را باور کنیم یا تعصب و عناد بدون تحقیق و تفکر را؟

دانشمندان در حوزه ی بسیاری که اکثریت خداباور هستند و بوده اند. اگر علم فقط منحصر به آتئیست ها می بود می بایست که همگی دانشمندان جهان ملحد می شدند اما می بینیم که اینطور نیست، و ندایی که سر میدهند که علم انسان را آتئیست می کند چیزی بس خنده دار تا حدی که ماکس بورن برنده ی جایزه ی نوبل به آن پاسخ می دهد:

آن هایی که می گویند فراگیری علم، انسان را آتئیست می کند باید مردم نسبتا احمقی باشند.[1]

http://godevidence.com/2010/08/quotes-about-god

این همه تعصب و تکبر و دشمنی خداناباوران من را یاد سخنی از جان لینوکس ریاضی دان آکسفورد می اندازد که می گوید: " آتئیست(خداناباوری) افسانه ای است برای کسانی که از نور میترسند

تضاد علم و دین

[1] Those who say that the study of science makes a man an atheist must be rather silly .

Frederick E. Trinklein, The God of Science (Grand Rapids, MI: Eerdmans, 1971), p 64

حوزه ی دیگری نیز که آتئیست ها بدان تمسک جسته اند در تضاد بودن دستورات کتاب مقدس و قران(ادیان و یا کتب الهی)با علوم حاضر و مدرن می باشد، اما این کج فهمی و مرتبط دانستن دو حوزه ی جداگانه(علم و دین) و تلفیق آنها کاری بیهوده می باشد، و در این مقاله نیز به حقیقت این امر بیشتر پی خواهید برد.

علم و دین دو حوزه ی کاملا جداگانه هستند، اما به هرحال در بین این دو نیز می تواند رابطه ای وجود داشته باشد، در کنار دین که کارش پرداختن به چرایی های پرسش بشری است و دادن هدف و چهارچوب در یک قالب (معیارهای اخلاقی، فلسفه ی زندگی و سوالاتی ماحول خلقت جهان) علم نیز کارش پاسخ به چون و چرا و چگونگی پدیده های طبیعی است و به کنکاش و آزمایش می پردازد.

به خیال باطل ملحدین که دین را پاسخگوی قرن حاضر نمی بینند مسائلی است که مربوط به ساینس نمی شود مباحثی است که آنان با تلفیق کتب الهی با علوم روز «علم و دین» را در مقابل هم قرار می دهند و سوء استفاده از معجزات و داستان های عذاب قوم های پیشین که درس عبرتی است برای بشریت، از این دست مسائل برای انکار حقانیت قرآن و کتب الهی دیگر استناد می کنند. غافل از این که این کار بیهوده نیز هیچ خللی در حقانیت کتاب ما مسلمین(قرآن) وارد نمی سازد. در راستای این موضوع و در تضاد نبودن دین و علم مطالبی رو خدمت خوانندگان گرامی قرار می دهیم تا هر چه بیشتر با این موضوع آشنا و واقف شوند. هر چند کتب های بسیار زیادی در این موضوع به نگارش و تالیف درآمده و بارها حقانیت قرآن و معجزات آن و مرتبط بودن آن با علوم بشری ثابت شده و خود یک بحث بسیار مفصلی می طلبد که ان شاء الله در فرصتی به بحث آن نیز خواهم پرداخت.

موج علمی را که آتئیست ها در محافل به راه انداخته علیه دین و تبلیغاتی سنگین که علم با دین در تناقض است به دلیل افراطی بودن اعمال و نظریات وحشیانه ی مسیحیانی بود که در قرون وسطی و فتواهایی که در حد مرگ و قتل و اعدام بود و ربطی با دین مبین اسلام ندارد در اینجا نقل قولی رو از دانشمند پرآوازه ی تاریخ آلبرت انیشتین می آوریم تا جایی برای توجیه قضیه باقی نماند: «ایــن مسئله(تضاد خواندن علم و دین) به معنی دخالت دین در قلمرو علم است، این همان مبارزه ارباب کلیسا با عقاید و نظرات گالیله و داروین است. از طرف دیگر، دانشمندان، اکثرا کوشش کرده اند تا ارزش ها و اهداف را براساس روش علمی به معرض قضاوت بگذارند و به این دلیل در برابر دین قرار گرفتند. این نزاع ها نیز نتیجه اشتباهات گذشته است»[1]

یکی از از ضربه هایی که به ادعای پوچ ملحدین زده می شود در رابطه ی تضاد بودن علم و دین کتابی است که «پروفسور ورنر هاینزبرگ» برنده ی جایزه ی نوبل تالیف کرده به نام «علم و دین»[2] کتابی که با نقل قول هایی از سه

---

[1]. enistien 1979, 42

[2]. http://ketabnak.com/book/48578/%DA%AF%E2%80%8D%D9%81%E2%80%8D%D8%AA%E2%80%8D%DA%AF%E2%80%8D%D9%88%DB%8C%E2%80%8D%DB%8C%E2%80%8C-%D8%AF%D8%B1%D8%A8%E2%80%8D%D8%A7%D8%B1%D9%87%E2%80%8C-

نابغه ی قرن بیستم(آبرت انیشتین، ماکس پلانک، نیلز بور) انجام شده که نتیجه ی گفتگوی ۲۵ سال در فیزیک می باشد و بصورت چندین مقاله نشر داده شده شرکت کندگان در این گفتگو نیز آقایان:

ورنر هایزنبرگ برنده ی جایزه ی نوبل در سال ۱۹۳۱

پروفسور نیلز بور برنده ی جایزه ی نوبل در سال ۱۹۲۲

پروفسور ولفگانگ پاولی، برنده ی جایزه ی نوبل فیزیک در سال ۱۹۴۵

پروفسور پاول دیزاک، برنده ی نیم جایزه ی نوبل فیزیک در سال ۱۹۳۳

و همچینن کتاب **Physics, philosophy, and theology** که نخستین بار در سال ۱۹۸۸ توسط یکی از موسسات وابسته به واتیکان در حوزه علم و دین به چاپ رسیده است. بعضی از نویسندگان مقالات این کتاب از بزرگترین محققین معاصر هستند.

و نیز کتاب ایان باربور متخصص فلسفه و علم و نیز مفتخر به دریافت جایزه ی ملی کتاب آمریکا می باشد الهی دان و فیزیکدان معروف که کتابی رو تالیف کرده به نام علم و دین و در آن به اشتراکات بسیاری میان این دو می پردازد .[۱]

و پروفسور پیتر هریسُن که در کتاب «قلمروهای علم و دین» که دانشگاه شیکاگو در ۲۰۱۵ منتشر کرده به همین مبحث علم و دین اشاره می کند.[۲]

چالر تاونز فیزیکدان مشهور نیز که برنده ی جایزه ی نوبل را دارا است درباره ی تضاد علم و دین می گوید: « هدف علم و دین را یکی است، یکی شناخت خود و دیگری شناخت جهان، و به قول پاکینگ هورن علم بدون دین ناقص است و نمی تواند به عمیق ترین لایه های علم دست یابد.»[۳]

دانشمندان صاحب نام بزرگی همیشه حول این موضوع نظر داده و هیچ گاه تعالیم دینی را در تضاد با علوم روز نخوانده اند. هر چند ما مسلمین در اینجا در مقام دفاع از مسیحیت تحریف شده و ناکارآمدی آن شکی بر نمی خیزیم. اما چیزی که روشن است کمترین هجمه ی تبلیغ و مطالبی دست به دست شده در میان ادیان نسبت به قرآن روا داشته شده چونکه کمترین اشکالی نیز که بدان وارد شده با قاطعیت پاسخ داده شده و باکی از این همه تبلیغ هم

%D8%B1%D8%A7%D8%A8%E2%80%8D%D8%B7%D9%87%E2%80%8C-%D8%B9%E2%80%8D%D9%84%E2%80%8D%D9%85%E2%80%8C-%D9%88-%D8%AF%DB%8C%E2%80%8D%D9%86%E2%80%8C

۱. http://ketabnak.com/book/85194/%D8%B9%D9%84%D9%85-%D9%88-%D8%AF%DB%8C%D9%86

۲. https://press.uchicago.edu/ucp/books/book/chicago/T/bo19108877.html

۳. **Ibid. PP.122 - 123**

علیه اسلام و کتب ما قرآن نیست. به راستی اگر این همه تبلیغ بر ضد هر دین دیگری میشد امروز حتی نامی هم از آن نمی ماند؟ شریعتی که برای تمامی مکان ها و زمان ها جوابگو بود ه و و مصون از هر تحریفی و دانشمندان زیادی نیز به دلیل معجزات آیات قرآن معترف شده و آن را منطبق با علم روز خوانده اند.

پدر نظریه ی کوآنتوم برنده ی جایزه ی نوبل ماکس پلانک نیز نظرش درباره ی دین و خدا شنیدنی است که می گوید: «علم و مذهب هردو نیاز به باور به خدا را تداعی می کنند، برای مومنان خدا در اغاز هست و برای فیزیک دانان او در پـــایان تمـــام احتمالات هست, بـــرای گذشتـــه او بنیاد است و برای امروز تـــاج سر جهـــان بینی های جهان»[1]

همچنین در تحقیقی که ژورنال وایلی پس از مصاحبه با ۲۷۵ نخبه آمریکایی از ۲۱ دانشگاه برتر این کشور انجام داد مشخص شد که فقط درصد کمی از آنها دین و علم را با هم در تضاد میدانند.

http://onlinelibrary.wiley.com/doi/10.1111/j.1468-5906.2011.01586.x/abstract

https://www.sciencedaily.com/releases/2011/07/110714103828.ht

در ژورنال دیگری نیز چنین میخوانیم که: «نیمی از دانشمندان دیندار هستند و معتقدند که علم و دین کاملا با هم سازگار است»[2] حتی در میان خداناباوران نیز کسانی هستند که معترف به حقانیت و منطبق بودن دین با علم می شوند که از جمله میتوان به فیزیکدان ملحد کیپ استفان تورن اشاره کرد که می گوید:

«تعداد زیادی از همکاران خوب من هستند که دیندار هستن و کاملا به خدا باور دارند. هیچ ناسازگاری اساسی بین علم و دین وجود ندارد» https://www.theguardian.com/science/2013/jun/21/kip-thorne-time-travel-scientist-film

هگل: علم و دین، دو حقیقت مستقل نیستند ، بلکـــه هـــر دو از حـــالات ضـــروری عقـــل هستند و برای رشد عقل دنبال یکدیگر میروند. (جعفری ۱۳۸۵. ۲۰)

ماکس پلانک: هرگز میان علم و دین، تضاد واقعی پیدا نخواهـــد شـــد چـــون هـــر یـــک، مکمل دیگری است (پلانک ۱، ۲۳۴)

درچندین تحقیق دیگری که از دانشگاه ها و سایت های علمی و خبرگزاری ها انجام شده نتایج بدست آمده چنین است که: «فقط ۱۵ درصد از دانشمندان اعتقاد دارند که علم و دین در تضاد هستند».

لینک این مقاله در سایت علمی **phys .org**:

---

[1]. Reference: Scientific Autobiography and Other Papers as translated by F. Gaynor (1949), p. 184

[2]. http://journals.sagepub.com/doi/full/10.1177/2378023116664353

https://phys.org/news/2015-12-worldwide-survey-religion-science-scientists.html

وقتی درباره ی تضاد و درگیری بین دین و علم پرسیده شد, تنها اقلیتی از دانشمندان معتقد بودند که (دین و علم) با هم در تضاد هستند. در بریتانیا که یکی از سکولارترین کشورهای مورد مطالعه است, تنها ۳۲ درصد از دانشمندان «علم و دین» را در تضاد میبینند. در آمریکا این عدد به ۲۹ درصد میرسد. جالب اینکه ۲۵ درصد از دانشمندان هنگ کنگ و ۲۷ درصد از دانشمندان تایوانی معتقد هستند که علم و دین میتوانند در کمک به یکدیگر مورد استفاده قرار گیرند.

دانشگاه رایس

http://news.rice.edu/2015/12/03/first-worldwide-survey-of-religion-and-science-no-not-all-scientists-are-atheists/

استنادات و مطالبی که اقامه کردیم و شفاف سازی شد که هیچ تضادی بین علم و دین وجود ندارد حتی با آن همه تبلیغ و نشان دادن چهره ی زشت اسلام و مسلمین و اسلام هراسی و اسلام ستیزی و تصویب قوانین ضد مسلمین و زنان مسلمان در کشورهای اروپایی و سکولار، دخالت و نفوذ در میان برخی علمای اسلامی برای ضربه زدن به اسلام محمدی. و از یاد نبریم اعمال و نظرات مسیحیت در قرون وسطا که بیشترین تاثیر منفی رو در این راستا علیه ادیان ایجاد کردند اما بازهم هیچ تاثیری در حقانیت این دین(اسلام) بر جای نزاشت آن همه تبلیغ علیه اسلام و تروریست خواندن مسلمانان، آوردن و ساختن و تجهیز گروهک هایی مثل داعش از سوی غربیون. اما همچنان این موج قبولیت اسلام است که در سراسر جهان ندایش به گوش میرسد.

کتاب دیگری که به علم و دین پرداخته (**Where The Conflict Really Lies**) اثر آلوین پلاتینگا فیلسوف معاصر که در حول علم و دین تالیف کرده نیز هم قابل توجه می باشد، در این کتاب او با طرح ادعای تعارض میان علم و دین از سوی مدعیان به مدد براهین منطقی و فلسفی، نشان داده است که برخلاف ادعای مدعیان نه تنها میان علم و دین تعارض نیست که یک توافق جدی میان علم و دین وجود دارد و در برابر آن تعارض جدی میان علم و طبیعت‌گرایی وجود دارد و مدعیان تعارض علم و دین، به غلط نام علم را بر تعهد متافیزیک خویش به طبیعت‌گرایی و مادی‌گرایی نهاده‌اند و مدعی شده‌اند که میان دین و علم تعارض واقعی وجود دارد. او در این کتاب به عرصه‌های مختلفی که ادعا شده میان علم و دین تعارض وجود دارد، ورود کرده و در هر حوزه با تبیین ادعا و تدقیق و مباحث، نشان داده است که چرا میان علم و دین تعارض حقیقی وجود ندارد، که برعکس یک توافق وجود دارد، و چگونه میان علم و مادی‌گرایی که مورد پذیرش مدعیان تعارض علم و دین است، یک تعارض جدی و عمیق وجود دارد.

در این کتاب او به حوزه‌های مثل زیست‌شناسی، فیزیک کلاسیک، فیزیک نوین و روانشناسی پرداخته و در هریک با بررسی دقیق مدعیات تحلیل جالبی از دعوای موجود و حقیقت آن ارائه نموده است. برای دریافت کتاب به سایت آمازون مراجعه نمایید.

https://www.amazon.com/Where-Conflict-Really-Lies-Naturalism/dp/0199812098

دانشمند معروف آلن لایتمن از دانشگاه **mit** به دفاع از دین در مقابل علم پرداخته و در کتاب سرچشمه ها زندگی و آثار کیهان شناسان مدرن که در انتشارات دانشگاه هاروارد۱۹۹۰ چاپ شده می گوید: «برخلاف باور رایج دانشمندان در خصوص موضوعات مذهبی همان دیدگاه های رایج و عمومی را دارا است».[۱]

و انجمن علمی **sigma xi** ، چند سال پیش با انجام یک نظرسنجی نشان داد که ۴۶ درصد دانشمندان دارای **ph.d** روز یکشنبه به کلیسا می روند.[۲]

و باز هم میرسیم به نابغه ی بی بدیل تاریخ و بزرگترین دانشمند تاریخ آلبرت انیشتین. «مصاحبه انیشتین با جیمز مورفی و ریاضی دان معروف ژان ویلیام سلیوان **William Sullivan Jahn** » در سال **1930**م دربارۀ نقش دین در زندگی مدرن. و همچنین «مصاحبه وی با راميندرانات تاگور» فیلسوف هندی دربارۀ دین انسان در سال ۱۹۳۰ در منزل اینشتین در شهر(کاپوث) ناشی از اهمیت زیاد علم و دین است که انیشتین بدان میپردازد. وی همچنین در کتابی نظرش را درباره ی علم و دین چنین بیان میکند:

Science without religion is lame religion without Science is blind

"علم بدون دین ،فلج است و دین بدون علم نابینا است " [۳]

و تایید همین مسئله در کتاب دانشمند مشهور و معاصر میچیو کاکو، وی در کتاب جهان های موازی صفحه ی ۴۱۸ همین نقل قول را انیشتین می آورد و علم و دین را هیچ گاه در تضاد هم نمی بیند بلکه علم را بدون دین فلج و دین را بدون علم کور می خواند.

این نظر انیشتین درباره ی علم و دین حاکی از اهمیت و ارزش و واقع بینی بزرگترین دانشمند جهان است. به حقیقت چه شده است که دانشمندی در این سطح علم و دین را چنین تعریف میکند و علم بدون دین را فلج میخواند؟ اما خداناباوران علم را در تقابل با دین میدانند؟ و همچنین نظر انیشتین در مورد دین: «اینکه گفته میشود من لامذهبم،

---

[۱]. تاریخچه ی زمان ص۲۴۹

[۲]. تاریخچه ی زمان ص۲۴۹

[۳]. Einstien ; 2002 jammer 1967, 30

کذب محض است من در زندگی ام هرگز بی ایمان نبوده ام من ایمان دارم که دین، بشریت را در همهٔ عرصه های علمی، اجتماعی و ... به سوی پیشرفت سوق داده است و بشر بدون دین در بربریت زندگی خواهد کرد.»[1]

و باز هم جمله ی زیبای انیشتین نیز خالی از لطف نیست آوردن آن: «انیشتین دین‌ها، هنرها و علم‌ها را شاخه‌های یک درخت میداند»

http://www.goodreads.com/quotes/33738-all-religions-arts-and-sciences-are-branches-of-the-sam

فیزیکدان مشهور آمریکایی شاو که برنده ی جایزه ی نوبل را هم دارا است چنین علم را وابسته به دین می داند و می گوید:«پرسش از مبدا و سوالات حول آن تا جایی که اجازه می دهد کار دانشمندان است اما برای گرفتن پاسخ نهایی باید به دین مراجعه کرد»[2]

دانشگاه برکلی کالیفرنیا هم در پژوهش خویش در باب علم و دین می گوید: "بیش از ۷۵ درصد دانشمندان معتقدند که ادیان دارای حقایق مهمی هستند"

https://undsci.berkeley.edu/article/science_religion

در منبع دیگری که از دانشگاه کیس وسترن رزرو به گزارش ساینس دیلی چنین آمده: «تضاد بین دین و علم تنها یک دروغ در مغز ماست»

https://www.sciencedaily.com/releases/2016/03/160323151838.htm

و حال معتبرترین سایت جهان نیچر میخوانیم: «که اکثر دانشمندان در طول تاریخ دیندار بوده اند»

http://www.nature.com/nature/journal/v501/n7465/full/501033c.html

ماکس پلانک نیز می گوید: « علم و دین، یکی دیگری را رد نمیکند بلکه متقابلا مکمل هم هستند، انسان به علم به عنوان ابراز برای درک نیاز دارد، و به دین برای راهنمای اعمال.

http://www.scigod.com/index.php/sgj/article/download/14/14

---

۱. Einstien 1950

۲. Ref. 7, P.106

مارتینز هیولت – زیست شناس معاصر آمریکایی: « این جنگ بدون تردید علیه شک گرایی و تعصب، علیه ناباوری و خرافات که علم و دین در آن همکاری می کنند به طور پیوسته ادامه دارد. و مدرک کاگردانی این مبارزه که از گذشته دور تا آینده دور ادامه دارد تعلق میگیرد به خدا»[1] من فکر میکنم «علم» بدون آنکه حتی درک شود، بر مبنای «ایمان» عمل میکند. همین رفتن من به آزمایشگاه و انجام آزمایش نشان دهنده «ایمان» به این است که «نظمی» وجود دارد که من می توانم آن را مشاهده کنم. اگر آن واقعیت نداشت،اگر آن ایمان وجود نداشت من دلیلی نمی داشتم که به آزمایشگاه بروم.[2]

با تفکری ساده و بدون تعصب درمی یابیم که جهان ما حقیقتا توضیحی فراتر از ماده نیاز دارد و آتئیست ها هم میدانند بخوبی امثال پروفسور دنیل سارویتز که استاد دانشگاه آریزونا می باشد اعتراف می کند که: **Sometimes science must give way to religion** (گاهی وقت ها علم باید تسلیم دین شود).

سایت نیچر

https://goo.gl/PWmZoF

متاسفانه عدم مطالعه و آگاهی ما مسلمین نیز نسبت به سیره و علوم درخشان قرون وسطی بسیار کم شده، اما تاریخ فراموش نخواهد کرد تمامی مستند های درخشانی که که حتی در شبکه های معاند و مستند های تمدن اسلام وب سایت های نیچر و زیست فناوری و تاریخ نویسان مشهور شرقی و غربی و آن همه آیات و احادیث که انسان را به علوم ترغیب می کند، تمدنی که نزدیک به ۵ قرن در دستان مسلمین بود و هر آنچه الان اروپا اعم از علوم مختلف دارد مدیون علوم مسلمانان است. به اعتراف تمامی سایت ها و مستشرقین و مورخین، به راستی اگر اسلام مخالف و در تضاد علم بود پس این همه شگفتی و پیشرفت و تشویق به فراگیری علوم برای چیست؟

در رفرنس معتبر فوربس نیز بعد از نام بردن چندین دانشمند حوزه های مختلف و تمدن اسلامی به این نکته اشاره میکند که همگی با خدا و ادیان در ارتباط داشتند و تاریخ با این ملاحظات جدا کمک می کند دریابیم مبادی علم تا چه حد باستانی است. تاکید بر این که علم، پیشرفتی تماما مدرن است، کمکی به نهادینگی تفکر علمی در فرهنگ پهناور ما نمی کند. مجبور کردن مردم به جدا کردن علم از دین، اگر جوامع معتقد نتوانند میان آن ها اتحاد بگیرند، به انکار زیان آور علم می انجامد.

https://phys.org/news/2018-01-religion-isnt-enemy-science-scientists.amp

---

[1]. Planck, as cited in Heilbron 1986, 185; see also (Planck 1958, 30).

[2]. Essay by Leading Scientists (London: Routledge,2002)p.79

درِک بارتون شیمیدان انگلیسی میگوید: « خدا یک حقیقت است. هیچگونه تضادی بین علم و دین نیست. هردوی آنها در پی یافتن یک حقیقت هستند. علم بیانگر و اثبات کننده وجود خداست»

http://www.azquotes.com/quote/587265

جوزف هوتون تیلور نیز که استاد فیزیک دانشگاه پرینستون و برنده ی جایزه ی نوبل در سال ۱۹۹۳ می باشد نیز در اظهار نظری بیان می کند :«یک اکتشاف علمی ،یک اکتشاف مذهبی است. هیچ تضادی بین دین و علم وجود ندارد . دانش ما درباره ی خدا با هر اکتشافی که از جهان انجام می‌دهیم وسیع تر میشود.»[1]

و همچنین در نشریه فوربس که جدیدا منتشر شده بر خلاف این باور که علم و مذهب با هم در تناقض هستند، تعداد کثیری از مردم چنین تناقضی را احساس نمی کنند: « هرکسی می‌تواند یاد بگیرد که چطور همانند یک دانشمند، جهان را مورد بررسی و آزمایش قرار دهد و هر دانشمندی میتواند متعلق به یکی از مذاهب باشد. مدارک علمی بسیار زیادی در تایید انفجار بزرگ(بیگ بنگ) و جهان در حال گسترش وجود دارد ولی اینها ضرورتی برای نزاع میان نتیجه گیری های علمی و باور های مذهبی ایجاد نمیکند.»

برداشت عمومی مضری در این مورد هست که علم دشمن اعتقاد و باور است و افراد مذهبی علاقه ای به علم ندارند با این وجود این چیزی نیست که اطلاعات بدست امده نشان دهنده آن باشد. با وجود اینکه تعداد قلیلی از دانشمندان هستند که مخالف مذهب هستند ولی طیف گسترده ای از انها مانند سایر اقوام کشورشان مذهبی هستند و تحقیقات گسترده نشان داده که بسیاری از افراد مذهبی طرفدار سرسخت علم هستند. اقشاری از جامعه هم هستند که خیلی سریع برچسب " ضد علم " به هر چیز مذهبی و برچسب "ضد دین" به هر چیز علمی میزنند. ولی حقیقت این است که *افراد از مذاهب و مکاتب مختلف تبدیل به دانشمندان عالی رتبه شدنه اند* و دانشمندان هر کشور عقاید مذهبی همسو با فرهنگ کشورشان

https://www.forbes.com/sites/startswithabang/2018/01/09/yes-science-is-for-the-religious-too/amp/

برونه گودیه‌دونی استاد دانشگاه هاروارد: «آنجا که علم و دین همسو می‌شوند با یکدیگر، از دیدگاه اسلامی در قرآن نمونه‌های زیادی از پیوند محکم اسلام با علم وجود دارد». از همین دانشگاه هاوارد اسمیت استاد فیزیک نجومی هاروارد چنین اظهار می کند: «دین و علم می‌توانند از همدیگر فراگیرند [و همسو با یکدیگر باشند]»

[1] Taylor, ac crted in brown 2002 .

https://news.harvard.edu/gazette/story/2008/05/where-science-and-religion-meet-from-an-islamic-/perspective

کسانی که کورکورانه علم را خدای خود کردند و هر چه بگویند بدان علم می کنند غافل از اینکه علم نه توانایی اثبات و نه توانایی مشاهده و آزمایش در باب فراطبیعت (متافیزیک) را دارد. اما جز علم به هیچ چیز دیگری ایمان نمی آورند مصداق این فرمایش الله متعال است:

«اتَّخَذُوا أَحْبَارَهُمْ وَرُهْبَانَهُمْ أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ وَالْمَسِيحَ ابْنَ مَرْيَمَ وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا إِلَٰهًا وَاحِدًا ۖ لَا إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ ۚ سُبْحَانَهُ عَمَّا يُشْرِكُونَ»

جبرگرایی علمی

کسانی که معتقد به جبر علمی و یا جبر کوانتومی بودند همانند ما خداباوران که می گوییم: خدا از قبل همه چیز را می داند و آگاه و دانا و قادر مطلق است پس ما دیگر اختیاری در انجام کارهای خویش نداریم. و جالب آن است آتئیست ها همین دیدگاه را نسبیت به ماده(کوانتوم) دارند و آنها معتقد هستند که تمامی کارها و تصمیمات بشر تحت اجبار ماده صورت میگیره و بشر هیچ اختیاری نسبیت بدان ندارد. حال موضع آن ها نسبت به خدا را با یک مثال راحت پاسخ می دهیم.

«بازی فوتبالی را در نظر بگیرید و شما آن را تا پایان مشاهده می کنید و نتیجه ی بازی اتفاقات و هر آنچه که در آن رخ داده است را می دانید حال همان بازی را با دوستان خود که قبلا بازی را ندیده اند باز پخش آن را تماشا کنید. شما می دانید که نتیجه و اتفاقات و هر آنچه که قبلا مشاهده کرده اید برای دوستانتان شرح دهید. حال خداوند متعال دانا و قادر مطلق دارای نهان و آشکار کسی که ازلی و ابدی است و نه در حصر قانون و نه در حضر مکان و زمان. خداوند متعال گذشته ،حال و آینده را بخوبی می داند اگر خداوند به آینده آگاه نباشد پس او قادر مطلق نخواهد بود و محدود است و او دیگر خدا نیست. و اینچنین خداوند سر تمامی اتفاقات در آینده را نیز میداند ، حال آیا اینکه شما از قبل که فوتبال را نگاه کرده اید و نتیجه ی آن را می دانید به منزله ی این است که شما در گل زدن و اتفاقات بازی فوتبال دخالت داشته اید؟ خیر شما فقط از گذشته آگاهی داشته اید که دیده اید و دخالتی در رقم زدن سرنوشت و نتیجه ی فوتبال نداشته اید. به همین منوال آگاهی الله از آینده ی ما بدین منظور نیست که او دخالتی در امور(سرنوشت) ما دارد، و به طور مطلق دارای اراده ی آزاد هستیم،

فریمن دایسون فیزیکدان معاصر و مشهور می گوید: «قوانین مطلقا اجازه ی پیش بینی را نمی دهند یک نوع آزادی معین وجود دارد که باعث می شود اتم ها به یک حالت معین پرش کنند و به معنای مشخص اتم ها دارای اختیار هستند و ما دارای این احساس قوی هستیم و زمانی که تصمیمی می گیریم دستمان را به بالا و پایین حرکت دهیم که این عمل ناشی از آزادی از مکانیک کوانتومی است به طوری که مغز نوعی تقویت کننده است که آزادی حرکت اتم ها را به آزادی حرکت کل بدن تفسیر می کند».

فیلسوف دیگری نیز بنام (ویلیام کریگ) اراده ی آزاد را نفی نمی کند و از آن دفاع کرده و آن را حاصل نوعی همبستگی بین آگاهی و مغز می داند بدین گونه که زمانی که ما یک دکمه را فشار می دهیم این عملکرد محرک مغز است که باعث تکان دادن دست ما میشود و در یک زمان و تاخیر بسیار کوتاه از مغز به آگاهی میرود و منجر به تکان دادن آن عمل تکان دادن دست می شود.

هنری استپ نیز در یک مصاحبه و گفتگو مفهوم اختیار را یک مسئله ی روانشناختی می داند که با توضیح مکانیک کوانتومی قابل توضیح است و در این صورت اختیار وجود دارد.

در رفرنس دانشگاهی دیگری چنین میخوانیم: «اراده ازاد یک مسئله انتزاعی یا یک استدلال پیشینی نیست! بلکه به وضوح یک واقعیت تجربی است. شاید بهترین برهان برای اراده آزاد این است که ما در هر لحظه از بیداری‌مان آن را مشاهده میکنیم».

دانشگاه جرج ماسون

http://econfaculty.gmu.edu/bcaplan/freewill

سال های زیادی این موضوع جبرگرایی بر جامعه ی علمی حاکم بود اما علم رویکرد خود را این بار در جهت باور خداباوران و در راستای قرآن کریم تغییر داد. مقاله ای که به تمامی ادعاهای پوچ خداناباوران پاسخی محکم میدهد. این مقاله در سال ۲۰۱۸ در دانشگاه ایالتی کارولینای شمالی منتشر شد تمامی ادعاهای ۳۰ سال پیش جامعه ی علمی را جز فریب و دروغ چیز دیگری نمی داند و اینکه کسانی که اعلام می کردند اراده ی آزاد وجود ندارد ادعاهایشان صحیح نیست و علوم اعصاب وجود یا عدم وجود اراده‌ی آزاد را اثبات نکرده است.

در این مقاله چنین آمده است: برای چندین دهه، بعضی از محققان استدلال میکردند که مطالعات علوم اعصاب ثابت کرده است که اعمال انسان‌ها توسط محرک خارجی هدایت می شود و به عبارت دیگر مغز واکنشی است و اراده آزاد یک توهم است. اما بررسی جدید این مطالعات نشان داد که تعدادی زیادی از این مطالعات شامل نتایج متناقض و روش‌های شناختی نادرست هستند.

https://www.sciencedaily.com/releases/2018/03/180312115359.htm

https://news.ncsu.edu/2018/03/free-will-review-2018/

همانطور که عرض کردیم تا قرن بیستم و اوایل قرن ۲۱ نیز همین باور در میان مجامع علمی وجود داشت و از این جو نیز بی دینها به درستی استفاده کردند غافل از اینکه این بار کفه ی ترازو برای آنها سبک تر خواهد شد. کسانی همچون سم هریس و استیون هاوکینگ و حتی داوکینز که معتقد به جبر کوانتومی و جبر ژنتیکی هستند. انسان را یک رباط و یک ماشین بیولوژیکی می خوانند که هیچ اختیاری از خود ندارد و اراده ی آزاد را یک توهم می شمارند.

در اینجا لازم میبینم که به این نکته اشاره کنم که اگر کسی مثل آقای داوکینز معتقد به جبرژنتیکی است به این مسئله فکر نمی کند که: «با این حساب سرزنش افراد برای کارهای خطایشان کار درستی نمی باشد». بدتر از آن مجازات مجرمان کاری غیر عادلانه است. مجازات کسانی که مرتکب قتل های زنجیره ایی ,تجاوز, بچه بازی و.... شدند غیر اخلاقی نمی باشد، چرا که آنها در راستای جبرژنتیکی به زعم ملحدین قرار گرفته اند پس تعذیب و شکنجه و مجازات و جلوگیری از آنان کار درستی است واقعا ؟

همان طور که کودکان و دیوانگان بخاطر خطاهایشان مورد سرزش قرار نمی گیرند و مسئولیتی در قبال اعمالشان ندارند و مجرم محسوب نمی شوند چون درک و شعور کافی را برای تشخیص نیک و بد را نداشتند و از خود اراده لازم را نداشتند! افراد بالغ نیز به خاطر عدم وجود اراده آزاد در این ایدولوژی نباید مجازات شوند.

نکته ی قابل توجه دیگر آن است که تصادف با جبرگرایی با عقل بشری در تضاد است. چون که بحثی به نام عدم قطعیت به میان می آید. همان بحثی که قبلا نیز در مورد آن بحث کردیم. چون در عدم قطعیت بطور همزمان نمی توان مکان و زمان ذره را پیش بینی کرد و هیچ قطعیتی در آن وجود ندارد پس با این تعریف جبری در کار نیست به

همین دلیل نیز عده ای از فلاسفه گفته اند که شانس و تصادف ذاتا با جبر در تضاد است چون اگر جبرگرایی بر جهان ما حاکم باشد دیگر تصادف بی معنی خواهد بود برای مثال انیشتین خود جبرگرا بود اما هیچ گاه جهان را بر حسب تصادف نمی دانست و از جمله ی خدا تاس نمی اندزد او این مسئله مشخص است. اما فیزیکدان برجسته دیگر میچیو کاکو بر خلاف وی با وجود دخیل دانستن عدم قطعیت در مکانیک کوانتومی و با گفتن جمله ی «برخلاف انیشتین خدا برخی اوقات با تاس بازی می کند» قائل به اراده ی آزاد است و جهان را بر مبنای جبر نمی داند. اما دلایل میچیو کاکو در این باره هم بسیار قوی تر از انیشتین است او میگوید: «چنان که نیوتون جهان را یک ساعت کوک شده می دانست و همچنین انیشتین که هر دو جبرگرا بودند، پس مشخص است که قرار است شما در ژانویه ی ۲۰۱۸ چه غذایی بخورید و چه کاری انجام دهید پس با این دلیل اگر یک آدم جانی که جان میلیون ها نفر را گرفته و کشته واقعا بی گناه است؟ به این دلیل که میلیون ها سال پیش مشخص بوده که این شخص مجبور به کشتن این انسان ها است و جواب انیشتین این بود "خب بله یجورایی این قضیه درسته حتی جانیان آدم کش نیز تحت جبر هستند"»

استدلالی که از بزرگترین فیزیکدان های حال حاضر(میچیو کاکو) بسیار منطقی و زیباتر از انیشتینی است که می گوید با آن حال نیز جانیان آدم کش تحت جبر جایگاهشون تو زندان است. آیا هیچ عقل سلیمی این را می پذیرد براستی ؟

https://goo.gl/Ke51NW

با آمدن دانشمند صاحب نام علم ورنز هایزنبرگ که اصل عدم قطعیت رو ارائه میده و مشخص میشه که ما دارای اراده ی آزاد هستیم و در حصر جبر نیستیم و اصل عدم قطعیت هایزنبرگ برهانی قوی است که بر تمامی این ادعاهای جبرگرایان و به این افسانه خاتمه میدهد.

و اما حال منابعی غیر از استدلال و فارغ از موضوعات بحث شده، که هیچ وقت احتمالا خداناباوران از آن سخن به میان نمی آورند و فقط با آوردن نقل قول هایی از گذشته که دیگر از درجه ی اعتبار ساقط شده اند بحث می کنند رفرنس هایی که بر مطالب ما صحه میزاره این افسانه ی توهم اختیار و اراده ی انسان را منتفی خواهد کرد.

استدلالی بسیار ساده و عقلی رو نقلی می کنیم تا به غیر عقلانی بودن جبر گرایی و منطقی بودن اراده ی آزاد پی ببرید

- ✓ کسانی که معتقد هستند که این جهان بر مبنای جبر است پس همین ادعا نیز بر مبنای جبر است و برای این ادعا هیچ آزادی و تعقلی نداشتید بلکه از سر اجبار چنین حرفی زدید پس این ادعا باطل است یعنی اگر معتقد هستید که جهان شانسی و تصادفی بوجود آمده است پس همین ادعای شما نیز شانسی و تصادفی است بنابراین این ادعا شما نیز دارای هیچ ثباتی نیست پس قابل قبول نیست و مردود است.

- ✓ اگر شک گرا هستید پس باید به همین ادعا خود نیز شک کنید در نتیجه شک گرایی شما باطل است چرا که شک گرایی شما نیز تحت اجبار بوده و مردود است. و نه تحت اراده ی آزاد و اختیار و به صورت تحقیق و پژوهش
- ✓ اگر فرگشت را کور و بدون هوشمندی می دانید پس همین ادعای شما نیز دستاورد فرگشت است و چون فرگشت غیر هوشمند است پس همین ادعا نیز غیر هوشمند است بنابراین ادعای شما مورد پذیرش عقلا قرار نمیگره به همین ترتیب برای تمامی گفته ها و استدلال های خود جبر صدق می کند و آتئیست ها چون به اراده و اختیار باور ندارند و همه چیز را جبر می دانند پس تمامی گفته های آنان از سر اجبار است و فاقد هر گونه ارزشی است.

اثرات منفی جبرگرایی هم فارغ از مشکلات و غیرعقلانی بودن آن و عدم پاسخ به سوالات منطقی می تواند خسارت های بران ناپذیری به جای بگذارد و برای این ادعای خود نیز دلایل خود را ارائه میدهیم تا بیشتر به موضوع واقف بشید.

جبرگرایی در حوره اخلاق می تواند نتایج وحشتناکی را از خود بر جای بگذارد! دیگر قتل و غارت و دزدی و دروغ گناه نیست و شخص گناه کار ، خطایی نکرده است چون تحت تاثیر جبر بوده است!! بر همین اساس کتابی تحت عنوان (**An Essay on Free Will**) از دانشگاه آکسفورد منتشر شده در ژورنال **philpapers** نتیجه میگیرد که باید جبرگرایی طرد شود

https://philpapers.org/rec/VANAEO

محققانی از دانشگاه کلمبیا طی تحقیقاتی که در ژورنال **sagepub** منشتر شده است نتیجه گرفتنه اند که جبرگرایی تقلب و دزدی افزایش میده ،در باب اخلاقی نیز آتئیست ها به حقیقت کم نداشتند، این باور جبرگرایی علمی نیز پایه های اخلاق را ضعیف میکند بر اساس مطالعات علمی، و همچنین طبقه ی گفته ی ژورنال سیج عدم باور به اراده آزاد باعث افزایش خشونت و کاهش روحیه تعاون و کمک کردن می‌شود

http://journals.sagepub.com/doi/abs/10.1111/j.1467-9280.2008.02045.x

http://www.godandscience.org/apologetics/atheism_determinism_morality.html

اما بالعکس عدم باور به جبرگرایی و اعتقاد به اراده ی آزاد وجود اختیار، با شاد بودن انسان ارتباط مستقیم دارد.

ساینس دیلی

https://www.sciencedaily.com/releases/2017/01/170123115153.htm

در آزمایشی دیگر نیز محققانی از دانشگاه فلوریدا و کنتاکی با انجام سه آزمایش مختلف نتیجه گرفته افته اند که باور به اختیار باعث افزایش انگیزه و افزایش نشاط و سودمندی می شود و اعتقاد به جبرگرایی باعث اثرات نامطلوب اجتماعی و پرخاشگری میشود

http://journals.sagepub.com/doi/abs/10.1177/0146167208327217

در پایان نیز هافینگتون پست به دفاع از اختیار و اراده ی آزاد پرداخته و مقاله ای رو با عنوان « من صاحب اختیارِ سرنوشتم» نشر داده که برای طولانی شدن بحث به جزئیات مقاله نمی پردازیم.

http://www.huffingtonpost.com/deepak-chopra/i-am-the-master-of-my-fat_b_6054828.html

در دانشگاه استنفورد نیز ماحول جبر و اختیار چنین میخوانیم: «نظریه ی کوانتومی، نوعی تصادف یا شانس را معرفی نمود که در مقابل دیدگاه جبرگرایی، قد علم کرد. تصادف کوانتومی بیان می کند که در پدیده هایی مانند تابش خودبخودی نور، واپاشی رادیواکتیو یا سایر مثال های کاهش حالت، آینده ی بنیادی طبیعت، مستقل از جهل یا دانش ما، دارای عدم قطعیت خواهد بود»

https://plato.stanford.edu/entries/qt-consciousness/

دانشگاه هاوایی در مقاله ای تحت عنوان **Determinism And Free Will** نتیجه میگیرد که:برای اینکه خودمان را ارتقا دهیم باید اختیار و آزادی انسان را پیش فرض بدانیم. برای اینکه جهانمان را بسازیم باید قدرت اختیار و آزادی انسان را تصدیق کنیم. برای اینکه اخلاقیات را قانونمند کنیم باید قدرت اراده انسانی را نظام سازی کنیم. برای اینکه منطقی فکر کنیم ما نباید به چیزی غیر از قدرت اراده و آزادی انسان فکر کنیم

https://www.hawaii.edu/powerkills/DPF.CHAP30.HTM

البته ذکر این نکته هم قابل توجه می باشد که در میان فلاسفه نیز بزرگانی مثل کانت جبرگرا نبودند و تحت تاثیر جو علمی و غیر منطقی جبرگرایی قرار نگرفتند[1] ساینس نیوز عنوان می کند که فیزیک کوانتوم راهش را به سوی اختیار گرایی سوق داده است

https://www.sciencenews.org/blog/context/finding-quantum-way-make-free-will-possible

ارون شورگر، از موسسه ملی بهداشت و پژوهش پزشکی در سکلی، فرانسه، می گوید: "در مجموع، حتی کسانی که منتقد کار لیبت بوده اند آن [پیش] فرض را به چالش نکشیده اند."

[1]. http://prometheus-journal.com/2009/02/25/morality-rationality-and-freedom-kant%E2%80%99s-argument-for-free-will/

یک تلاش به این منظور در سال ۲۰۰۹ صورت گرفت. جودی ترونا و جف میلر، از دانشگاه اوتاگو در داندین، نیوزیلند، از داوطلبان خواستند تا، پس از شنیدن یک زنگمایه (آوا)، تصمیم بگیرند که آیا می خواهند بر روی یک کیبورد بزنند یا نه. [در این آزمایش] آمادگی بالقوه بی توجه به تصمیم داوطلبان حضور داشت، که خود القاگر آن بود که آمادگی بالقوه نمایانگر آماده شدن مغز برای حرکت نبود. اما، این که چه معنایی داشت نیز روشن نبود. اکنون شورگر و همکارانش توضیحی را ارایه کرده اند.

آنها با یک پرسش آغاز نمودند: «مغز چگونه برای انجام یک حرکت غیر ارادی تصمیم گیری می کند؟ در جستجوی سرنخی، آنها دیگر سناریوهای تصمیم گیری را مورد بررسی قرار دادند. مطالعه های پیشین نشان داده است هنگامی که ما، برای نمونه، تصمیمی را بر پایه ورودی های دیداری می گیریم، اجتماعاتی از نورون ها شروع به انباشت مستندهای دیداری به نفع نتایج ممکن گوناگون می کنند». یک تصمیم هنگامی کلید می خورد که مستندهایی به سود یک نتیجه مشخص [از آن نتایج ممکن] به اندازه کافی توانمند می شود که اجتماعات نورونی مرتبط را از یک آستانه عبور دهد.

https://www.newscientist.com/article/dn22144-brain-might-not-stand-in-the-way-of-free-will

رفرنس آکادمیک آزمایش شورگر که به طور ریز و دقیق فعالیت های مغز رو در طی چندین آزمایش مختلف بررسی و در نهایت اینکه اراده ی آزاد را دارا هستیم و بر آن مهر تایید میزند

http://www.pnas.org/content/109/42/E2904

دپارتمان فسلفه دانشگاه کالیفرنیا می گوید: «که حتی اگر شروع این فرآیند را هم غیر ارادی و بر مبنای جبر بدانیم، ادامه تصمیمات انسان بر مبنای جبر نیست» زیرا انسان می تواند آن را وتو کند و از ادامه آن سر باز بزند و هنوز آزمایش قطعی مبنی بر اینکه این اراده آزاد طرد شود و نادیده گرفته شود وجود ندارد، من باید آزمایش های دیگری برای یافتن سوال پیدا کنیم

http://www.ingentaconnect.com/content/imp/jcs/1999/00000006/F0020008/966

در رد ادعای جبر بودن ژنتیکی ادعای آقای ریچارد داوکینز و امثال او به دو رفرنس بسنده می کنیم. مجله دیسکاوری گزارش می دهد که اپی ژنتیک به ما میگوید: «dna های ما سرنوست ما را تعیین نمیکنند! و پروژه ژنوم انسانی هیچ مشکل خاصی برای آزادی انسان که در حوزه موضوعات فلسفی اراده آزاد و جبرگرایی بحث میشود ایجاد نمی کند».

http://discovermagazine.com/2006/nov/cover

سایت معتبر زیست فناوری آمریکا هم عنوان می کند: «که پرژه ی زنوم انسانی هیچ مشکلی برای اراده ی آزاد به وجود نمی آورد مگر در صورت آنچه که قرار است تفسیری بر آن تحمیل شود».

https://www.ncbi.nlm.nih.gov/pubmed/11659524

با پیشرفت علوم مختلف و نظریه های متفاوت انسان به راستی می تواند dna خود را تغییر دهد! از طریقه ی آن آگاه شوید! در مقابل علم ژنتیک علمی قرار دارد بنام اپی ژنتیک که طبق آن(اپی ژنتیک) بیان می دارد که سلول های بنیادی و حتی dna به وسیله ی میدان های مغناطیسی، هم سازی قلبی، وضعیت مثبت ذهنی و نیت و انگیزه، قابل تغییر است.

دانشمندان برجسته در سراسر دنیا بر یک امر توافق دارند: جبر ژنتیکی، نظریه ای نقض شده به حساب می آید. پس از دو دهه بررسی و مطالعه، محققان دریافتند فاکتور هایی همچون عشق، حس قدردانی، اضطراب و خشم نقشه زیستی انسان ها را تحت تاثیر قرار می دهند. در یک آزمایش، شرکت کنندگان برگزیده از طریق حالت مثبت ذهنی قادر به ایجاد تغییر در دی ان ای شدند. هم سازی قلبی، که به تعادل سودمند ذهنی، احساسی و فیزیکی گفته می شود، به کمک تکنیک heart math، می تواند DNA را تغییر دهد.

محققان می گویند هنگامی که ما تحت استرس یا احساسات منفی قرار داریم، اندوخته های زیستی انرژی بدن از امر مهم باز تولید و بازسازی جسم دور می شود. اما ما قادر هستیم با تمرکز بر احساساتی همچون عشق، مراقبت و قدردانی این روند را خنثی کنیم. احساسات مثبت سیستم انرژی را ارتقا می دهند و به جسم انسان سوخت می رسانند؛ حتی در سطح DNA! محققان این احساسات مثبت را "مواد مغذی کوانتومی" می نامند.

http://www.naturalnews.com/042157_DNA_transformation_science_epigenetics.html

این موضوع جبرگرایی هم با دلایل و استدلال های منطقی و مضرات آن را در معرض دیدگان قرار دادیم و قضاوت را بر عهده ی خوانندگان می گذاریم، جبرگرایی فارغ از غیر منطقی بودن و مضرات جبران ناپذیر آن، توضیحی ناکارآمد است برای بازخواست و دستگیری و شکنجه ی تمام جانیان آدم کش و کسانی که دچار هر خطا و فساد و جنایت می شوند،

حقیقت این است آتئیست ها جهانی را برای ما معرفی می کنند که هیچ شخص عاقل و فهیمی نمی داند و نمی تواند هیچ دخل و تصرفی در سرنوشت خویش داشته باشد، معادی در کار نیست، در حصر هیچ ماده و بند و قانون و دین و شریعتی نیستند، دنیایی را به بشریت القا می کنند که جز یاس و ناامیدی و افسردگی نتیجه ای را به جوامع هدیه نداده اند، جهانی خود به خودی و حاصل تصادف، خلقت بشری با تصادف، نبود علت برای هیچ کدام، توضیحی برای اینکه جهان چرا به وجود آمده؟ و ما برای چه و چرا اینجا هستیم؟ توضیحی برای اینکه بعد از مرگ به کجا می رویم؟

intelligent design

این بود گذری مختصر و نشان دادن چند حقیقت علمی ماحول کیهان و فیزیک که آتئیست ها در آن متاسفانه خیانت به عمل آورده و فقط در راستای باور خود آن را پذیرفته و نشر می دهند، و نیز رد تصادفی بودن جهان از هیچ و جهان های موازی و مواردی که بررسی شد. همچنین تایید اکثریت دانشمندان جهان از قدیم تا قرن حاضر و اعتراف به طراح هوشمند و همچنین عدم تضاد بودن «علم دین» که نشان دادیم.

جهانی با عظمت خارق العاده با تنظیمات ظریف، ثوابت کیهانی با اعداد نجومی، خالقی فراتر از درک محدود بشر، جهان معلول نیاز به علت دارد همانطور که قوانین به قانون گزار نیاز دارد، طراح هوشمند(**intelligent disign**) همان خداوند قادر معمای هستی و تنها پاسخ منطقی برای خلق جهانی است که با سفر فضا پیماها در طی چندصد هزار سال نوری هم به اخر کهکشان ها(نزدیک به ۲۰۰ میلیارد کهکشان وجود دارد) و گیتی راه پیدا نخواهند کرد، خالقی که با خلقت بی نظیرش تمامی دانشمندان را متحیر از جهان طراحی شده گردانده. عجب خالقی دارد جهان به راستی...

او همان هوش برتر، قادر مطلق، طراح هوشمند، سازنده ی جهان، (خداوند متعال) است و درود خدا بر کسی که در پی تحقیق و پژوهش برای تعمق در خلقت بی نظیر جهان گام برداشته و به دنبال رسیدن به حقیقت و تفکر در عظمت خلقت خالقش است و نه صرفا مبارزه و دشمنی و جهل، به امید روزی که علم را بخاطر باورهایمان تفسیر به رای نکنیم.

سعی کنید لباس قدیمی را بپوشید ولی کتاب نو بخرید.

گردآورنده: دانش پشابادی

کردستان-کامیاران

شهریور ماه۹۷

@d.pashabadi@gmail.com


رد شبهات ملحدین
no-atheism.net
islamway1434
no_atheism
no_atheism
asteira